

معنی و مفهوم

لا اله الا الله

تدوین و تقدیم :

موسسه فرهنگی قرآن و سنت نبوی روانسر

## فهرست مطالب

۳	مقدمه
۶	موضوع و عنوان توحید
۷	فضیلت لا اله الا الله
۱۰	معنی و مفهوم « اله » از دیدگاه اهل جاهلیت
۱۶	اوضاع و احوال جوامع جاهلی مورد خطاب کلمه ی لا اله الا الله
۲۱	اهمیت توحید
۲۴	معنی و مفهوم « اله » از دیدگاه قرآن
۲۵	- الله ، یگانه اله بر حق آسمان و زمین
۲۶	- الله ، یگانه خالق و آفریننده ی هستی
۲۷	- الله ، یگانه اداره کننده ی جهان هستی
۲۹	- الله ، یگانه رازق و روزی دهنده
۳۲	- الله ، یگانه فرمانروای آسمان و زمین
۳۷	- الله یگانه فریادرس
۴۱	- الله یگانه معبود برحق

۴۶	- الله یگانه ربّ و پروردگار
۴۹	شروط لا اله الا الله
۵۳	رسالت انبیاء
۶۴	تحقق توحید
۶۵	عوامل تحریف معنی و مفهوم لا اله الا الله
۸۱	خلاصه ی مفهوم لا اله الا الله
۸۴	خروج از دایره ی " لا اله الا الله "
۸۶	مبطلات " لا اله الا الله "
۹۶	هدف ما
۱۰۱	خاتمه
۱۰۷	منابع

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ  
وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَاتَّبَاعِهِ أَجْمَعِينَ....

در سال ۵۷۰ میلادی مردی شریف و امین در خانواده ای محترم و مشهور در میان قوم قریش در شهر مکه ، در حالی که مورد احترام و اکرام و اعتماد همگان بود بپا خاست و مردمان را بسوی کلمه ای دعوت کرد و چون گفت : ای مردم بگویید : « لا اله الا الله » تا رستگار شوید ، همگان فوراً مفهوم چنین دعوتی را دریافتند و بدون کمترین ابهامی فهمیدند که گوینده ی « لا اله الا الله » چه چیزی را نفی می کند ، لذا جمعی با بصیرت کامل بدان ایمان آورده و توده ای هم با علم و آگاهی از معنی و مفهوم کلمه ، به مخالفت با آن برخاستند . راستی مگر کلمه ی « لا اله الا الله » چه چیزی را نفی می کند و چرا امروزه این کلمه در میان مردمان ، انقلاب و دگرگونی ایجاد نمی نماید !؟

” لا اله الا الله “ در افکار و عقاید مشرکین عرب و عبادت قوم جاهلی انقلاب ایجاد کرد و اختلافات قومی و جنگ های خانمانسوز قبایل و انحرافات اخلاقی ( همچون شرابخواری ، قمار بازی و سایر ظلم های اجتماعی و اقتصادی و طبقاتی ) را که در میان آنها شایع بود ، ریشه کن نمود .

با بررسی علل عدم فهم صحیح این کلمه از سوی مردمان بعدی ( بعد از عصر نزول قرآن ) به دو عامل اصلی و اساسی بر می خوریم که سبب شدند این کلمه بتدریج معنی و مفهوم وسیع خود را از دست دهد و به تبع آن موجب انحراف ، انحطاط و ذلت جامعه مسلمانان در ادوار بعدی شود. و آن دو عبارتند از :  
۱- از بین رفتن ذوق عربی سالم و کم رسایی قواعد عربی خالص در اعصار بعد از نزول قرآن و سرایت این ضعف به لغوین و مفسرین . و واژه ی « اله » را با “ بت ” مترادف دانستن ، بطوری که مردمان چنان پنداشتند که فقط با دوری از بت ها به وظیفه ی خود در ارتباط با کلمه ی « لا اله » عمل کرده اند .

۲- تلاش فراگیر عوامل تحریف معنی و مفهوم کلمه ی « لا اله الا الله »<sup>(۱)</sup>

هدف این رساله بیان معنی و مفهوم قرآنی کلمه ی ” لا اله الا الله “ و مقتضیات آن و بیان شرک و زمینه های آن می باشد ، امید است با درک و فهم معنی درست این کلمه بتوانیم به ایمان و باور قلبی شایسته در حد این مفاهیم دست یافته و عملاً در راستای آن گام برداریم. و ابتدا زمینه ی انقلاب درونی را در خویشتن و سپس بیرونی را در جامعه فراهم نماییم. انشاء الله

موسسه فرهنگی قرآن و سنت نبوی روانسر

---

<sup>۱</sup> - در بخش پایانی همین رساله انشاء الله به بحث پیرامون عوامل تحریف « لا اله الا اله » خواهیم پرداخت.

## موضوع و عنوان توحید

هدف از بعثت انبیاء در کلیه ی ادوار تاریخ بشریت ، فقط بیان معنی و مفهوم و عمل به مقتضای کلمه ی « لا اله الا الله » بوده است. « وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ »<sup>(۱)</sup> ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم مگر اینکه به او وحی کرده ایم که اله و معبودی جز من نیست پس فقط مرا عبادت کنید.

پیامبر (ص) فرماید : « أَفْضَلُ مَا قُلْتُهُ أَنَا وَالنَّبِيُّونَ قَبْلِي كَلِمَةٌ ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ». نیکوترین و ارزشمندترین کلمه ای که من و پیامبران پیش از من بیان داشته اند کلمه ی لا اله الا الله بوده است.

در واقع خلاصه ی رسالت تمامی پیامبران در طول تاریخ بشریت دعوت به کلمه ی « لا اله الا الله » و بیان علمی معنی و مفهوم آن و اقتضای عملی این کلمه بوده است .

---

<sup>۱</sup> - انبیاء / ۲۵

## فضیلت لا اله الا الله

درباره ی فضیلت و اهمیت کلمه ی ” لا اله الا الله “ معاذ بن جبل (رض) در آخرین لحظات حیاتش ، از ترس اینکه مبادا فردا در صحرای قیامت بخاطر کتمان یک حدیث مهم مورد محاسبه و بازخواست قرار گیرد فرمود :

« كُنْتُ رَدِيفَ النَّبِيِّ (ص) عَلَى حِمَارٍ ، فَقَالَ لِي : يَا مُعَاذُ ، أَتَدْرِي مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ وَ مَا حَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ ؟ قُلْتُ : اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ . قَالَ : حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ لَا يُعْبُدُوهُ وَ لَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ حَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَ مَنْ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً . قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَفَلَا أُبَشِّرُ النَّاسَ ؟ قَالَ : لَا تُبَشِّرْهُمْ فَيَتَكَبَرُوا » . با پیامبر خدا بر مرکبی سوار بودیم . پیامبر خطاب به من فرمود : ای معاذ ، آیا میدانی حق خدا بر بندگان و حق بندگان بر خدا چیست ؟ گفتم : خدا و رسولش داناترند ، فرمود : حق خدا بر بندگان این است که او را عبادت کنند و شریکی برایش قرار ندهند . و حق بندگان هم بر خدا این است که خداوند هر آن بنده ای را که



برای خدا شریکی قرار نداده است عذاب ندهد . گفتم ، ای پیامبر خدا (ص) این مژده را به مردم برسانم ؟ فرمود : بشارت نده ، مبادا اعمال نیک را ترک کنند .

« مَنْ لَقِيَ اللَّهَ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ لَقِيَهِ يُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً دَخَلَ النَّارِ » .<sup>(۱)</sup> هرکس خداوند متعال را در حالی ملاقات کند که نسبت به او شرک نورزیده باشد ، داخل بهشت خواهد شد ، و هرکس درحالی خداوند را ملاقات نماید که بدو شرک ورزیده باشد داخل آتش خواهد شد .

« عَنْ أَنَسٍ (رَضِيَ) سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : يَا ابْنَ آدَمَ ، لَوْ آتَيْتَنِي بِقَرَابِ الْأَرْضِ خَطَايَا ثُمَّ لَقَيْتَنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئاً لَأَتَيْتَكَ بِقَرَابِهَا مَغْفِرَةً » .<sup>(۲)</sup> انس روایت کرده که از پیامبر (ص) شنیدم ، فرمود : خداوند می فرماید : ای بنی آدم اگر در حالی به سوی من بیایی که گناهانت زمین را فرا گرفته باشند اما شرک نورزیده باشی ، من برابر گناهانت با عفو و مغفرت به سویت خواهم آمد .

---

۱- رواه مسلم ۲- رواه ترمذی

ممکن این سؤال به ذهن بگذرد که چگونه خداوند برای موحدین این همه اجر و پاداش تدارک دیده است ، در حالی که اعتقاد و باور به لا اله الا الله و تَخَلَّقَ به عقیده ی توحیدی کار چندان مشکلی نیست !؟

برخلاف انتظار و برداشت ما ایمان به ” لا اله الا الله “ و طرد سایر آلهه ( هوای نفس ، رسومات جاهلی حاکم بر جامعه ، قوانین جاهلی ، پیروی از طاغوت های مختلف و ... ) کار چندان آسانی نیست. همچنانکه در این باره آمده است :

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٢﴾<sup>(۱)</sup> بیشتر مردم (

به سبب پیروی از هوی و هوس و میل به گناه و تصمیم بر کفر به تو) ایمان نمی آورند هرچند که تلاش کنی ( و در راهنمایی ایشان بسیار خویشتن را زحمت دهی ) ...

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ﴿١٦﴾<sup>(۲)</sup> و اکثر آنان

که ( با گفتار ) مدعی ایمان به خدا هستند، ( از نظر کردار )

---

<sup>۱</sup> - یوسف/۱۰۳      ۲- یوسف/۱۰۶

مشرک می باشند ( و دانسته یا ندانسته دچار شرک شده اند و به این آسانی هم از شرک خود دست بردار نیستند ) .

## معنی و مفهوم « اله » از دیدگاه اهل جاهلیت

از دیدگاه مردمان عصر جاهلیت اله کسی و یا کسانی بوده اند که منشأ قدرتهای خارق العاده بوده و انسان در کنار آنها به خواسته های خود دست یافته و به آرامش روحی و روانی رسیده است ، لذا آنان شایسته تقدیس و احترام ویژه بوده اند .

قرآن دیدگاه مشرکان را درباره ی معنی و مفهوم کلمه ی « اله » به شرح زیر به تصویر می کشد :

۱- یار و یاور، در هنگام سختی و شداید :

وَاتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾<sup>(۱)</sup> اینان

علاوه بر خداوند معبودهایی برای خود برگزیده اند بدین امید که ( از سوی ایشان ) یاری شوند .

۲- اجابه کنندگان دعاها :

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿۱۰﴾<sup>(۱)</sup> إِنَّ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ<sup>ط</sup> وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ<sup>ع</sup> وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿۱۱﴾<sup>(۲)</sup> و کسانی را که بجز خداوند به فریاد می خوانید حتی مالکیت و حاکمیت پوسته ی نازک خرمایی را ندارند . اگر آنها را به فریاد بخوانید ، صدای شما را نمی شنوند و بفرض اگر هم بشنوند توانایی پاسخگویی به شما را ندارند .

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ﴿۱۲﴾<sup>(۳)</sup> چه کسی گمراهتر از کسی است که افرادی را به فریاد بخواند که تا روز قیامت ( هم ایشان را به فریاد بخواند ) پاسخش را نمی گویند و اصلاً آنان از پرستشگران و به فریاد خواهندگان غافل و بی خبرند.

---

۱- فاطر / ۱۴-۱۳ ۲- احقاف/ ۵

آدمی در هیچ دوره ای از ادوار تاریخ بشریت آن قدر فاقد درک و شعور نبوده است که با دست خود سنگ و یا چوبی بتراشد و آن را اله و معبود خود بنامد و در برابرش سجده و کُرنش ببرد و با او راز و نیاز کند ، بلکه این سنگ و چوب (بت) نماد و یادگاری از فرشتگان ، پیامبران و بندگان صالح خداوند بوده اند و آنان معتقد بوده اند که فرشتگان و روح پیامبران و بندگان صالح به کنار این نماد می آیند و دعا و خواسته های آنها را می شنود و به نزد خداوند متعال می روند و خواسته هایشان را به او عرضه می دارند و...

### ۳- صاحبان امر و نهی :

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ

اللَّهُ<sup>ج</sup> (۱) بلکه آنان انباز و معبودهایی دارند که برای ایشان دین و احکام و قوانینی را پدید آورده اند که خدا بدان اجازه نداده است .

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ

وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا<sup>ط</sup>

(۲) یهودیان و ترسایان علاوه از خدا ، علماء دینی و پارسایان خود را هم به خدایی پذیرفته اند ، مسیح پسر مریم را نیز خدا می شمارند در حالی که بدیشان جز این دستور داده نشده است که : تنها خدای یگانه را بپرستید و بس .

عدی بن حاتم گوید : من ( قبل از پذیرش اسلام مسیحی بودم ) در باره این آیه به پیامبر گفتم : ما که آنها را عبادت

۱- شوری / ۲۱

۲- توبه / ۳۱

نمی کردیم . پیامبر (ص) فرمود : آیا این واقعیت نیست که آنها حلال خدا را حرام ، و حرام خدا را حلال قرار می دادند و شما هم تبعیت می کردید ؟ عرض کردم این حقیقت است . حضرت فرمود : عبادت و پرستش آنها همین ( پیروی و اطاعت از احکام و قوانین و دستورات دیگران ) است ...

#### ۴- نزدیک کنندگان و میانجیگران نزد خداوند :

... وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا

لِيُقَرَّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى ...<sup>(۱)</sup> کسانی که بجز خدا سرپرستان و

یاوران دیگری را بر می گیرند ( و بدانان تقرب و توسل می جویند و می گویند ) ما آنان را پرستش نمی کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند .

... وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعْتُنَا عِنْدَ اللَّهِ<sup>(۲)</sup> و می گویند

---

۲- یونس/۱۸

۱- زمر/۳

اینها میانجیهای ما نزد خدایند ( و در دنیا به فریادمان می رسند  
و در آخرت رستگارمان می نمایند ) .

مشرکان علاوه بر بت ها ، جن ، ملائکه ، روح انسانهای  
مرده ، ستارگان ، شیاطین ، پادشاهان ، انبیاء ، احبار و رهبان را  
هم اله و شفعاء نزد اله بزرگ ( خدا ) می پنداشتند .

با توجه به آیات مذکور اله از دیدگاه اهل جاهلیت کسی یا  
کسانی بودند که در شداید و سختی ها به کمک و یاری آنها  
شتافته و دعاهای آنها را اجابه کرده و از حق فرمانروایی و امر و  
نهی برخوردار بوده و شایسته ی پرستش بوده اند .

پس هنگامی که در میان این قوم اعلام شد : « قُولُوا لَا إِلَهَ  
إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا » فوراً فهمیدند که « لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ » یعنی هیچ اله  
و معبودی غیر از الله قادر به شنیدن و اجابه کردن و مدد و یاری  
آنها نیست ، و کسی جز الله حق امر و نهی و قانونگذاری نداشته  
و فقط بایستی در برابر او تسلیم محض بود و فقط او شایسته ی  
توجه قلبی و پرستش است .



## اوضاع و احوال جوامع جاهلی مورد خطاب کلمه ” لا اله الا الله “

مخاطبین کلمه ی ” لا اله الا الله “ را می توان به دو گروه

بزرگ تقسیم نمود : ۱- مشرکین ۲- اهل کتاب

۱- مشرکین : مشرکین در اصل پیروان ادیان آسمانی بوده اند که دین و شریعت آنها در اثر عدم توانایی بر حفظ آن ، به مرور زمان بطور کلی از بین رفته بود ، و فاقد هر گونه کتابی بودند . به همین سبب اینان دچار دو انحراف بزرگ شده بودند :

**الف : جعل فریادرس :** مشرکان به منظور برقراری ارتباط با خداوند متعال به بت ها متوسل شدند . بت ها یادبودی از فرشتگان خداوند بودند که به گمان باطل خود، آنها دختران خداوند هستند و چون فرزند هم نزد پدر دارای منزلت و مکانتی است و هرچه از پدرش بخواهد برایش مهیا می کند ، اینان هم به منظور جلب رضایت فرشتگان برایشان یادبودهایی ساختند و

آنها را عزی ، لات ، منات و... نام نهادند.<sup>(۱)</sup> و ضمن تقدیم هدایا ، در کنار آنها ، مناسک و مراسم خاصی بجای می آوردند و می گفتند : اینان ما را به خداوند نزدیک و برایمان طلب شفاعت می نمایند .

مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ ..<sup>(۲)</sup> ما آنان را عبادت نمی کنیم جز برای اینکه ما را به خداوند نزدیک گردانند .

... وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ<sup>(۳)</sup> می گفتند اینان شفاعت کنندگان ما ، نزد خداوند هستند.

**ب: جعل فرمانروا و قانونگذار:** در جوامع جاهلی رهبریت سیاسی جامعه و قانونگذاری بی قید و شرط به اشراف و بزرگان و سران عشایر اختصاص داشت ، آنان هر گونه که خود اراده می کردند و دوست داشتند، قانون تدوین و تصویب ، اجرا و داوری می نمودند، وظیفه سایرین هم اطاعت محض و بدون چون چرا

---

<sup>۱</sup> - مشرکان می گفتند ؛ خداوند اعز است پس باید اسم دخترش هم عزی باشد مانند

اکبر و کبری . لات و منات و ... هم به همین گونه . ۲- زمر/ ۳ ۳- یونس/ ۱۸

از دستورات آنها بود .

## ۲- اهل کتاب :

پیروان ادیان آسمانی همچون یهود و نصاری هم گر چه کتاب آسمانی آنها تحریف شده بود ، اما با این وجود به کتاب آسمانی تحریف شده ی خود پای بند بودند و پاره ای از دستورات آن را بجای می آوردند . آنها هم همچون مشرکان دچار دو انحراف بزرگ شده بودند :

**الف: جعل فریادرس :** اینان برخلاف مشرکین بجای فریاد رس قرار دادن ملائکه ، پیامبران خود را اله و پسر خدا نامیده و شفیع و فریاد رس خواندند.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزِّيْرُ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصْرَى الْمَسِيْحُ ابْنُ

اللَّهِ<sup>ط</sup> (۱) یهودیان گویند : عزیز پسر خدا است و ترسایان گویند :

مسیح پسر خدا است ...

---

۳- فرقان/۱۸-۱۷

۲- مائده/۱۷

۱- توبه/۳۰

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ<sup>ع</sup>

(<sup>۱</sup>) بطور مسلم کسانی که می گویند : خدا ، مسیح پسر مریم است ، کافرند .

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ

أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَتُّؤَلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ﴿١٧﴾ ( برای

اندرز مردمان یادآور شو ) روزی را که خداوند همه ی مشرکان را ( برای حساب و کتاب ) به همراه همه ی کسانی که بجز خدا می پرستیدند ، گرد می آورد و ( به پرستش شدگان ) می گویند: آیا شما این بندگان مرا گمراه کرده اید ؟ یا اینکه خودشان گمراه گشته اند ؟

**جعل فرمانروا و قانونگذار :** مقام فرمانروایی و قانونگذاری مطلق که خاص خداوند متعال است ، اهل کتاب آن را به دو قشر؛ رهبران سیاسی و پیشوایان دینی خود اختصاص دادند .

---

<sup>۱</sup> - مائده/۱۷ ۳- فرقان/۱۸-۱۷

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ

وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا<sup>ط</sup>

(۱) یهودیان و ترسایان علاوه از خدا ، علماء دینی و پارسایان خود را هم بخدایی پذیرفته اند ، مسیح پسر مریم را نیز خدا می شمارند در حالی که بدیشان جز این دستور داده نشده است که : تنها خدای یگانه را بپرستید و بس.

انحراف بزرگ انسانها در طول تاریخ ، بیشتر در همین دو زمینه ( جعل فریادرس و قانونگذار ) بوده است . متأسفانه این دو انحراف ، انحراف همه ی انسانها و پیروان اکثر ادیان آسمانی بوده و هست و آن هم در اثر تحریف کتاب و یا تحریف معنی و مفهوم ” لا اله الا الله “ بوده است .

---

<sup>۱</sup> - توبه / ۳۱

## اهمیت توحید

ایمان به وحدانیت خداوند در خلق و امر ، اولین رکن و اصل اساسی و سنگ بنای عقیده ی اسلامی است و سایر ارکان و احکام از این اصل منشأ می گیرند .

از آنجائیکه انسان برای عبادت ( بندگی ، اطاعت و پرستش ) خداوند متعال آفریده شده است وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾<sup>(۱)</sup> و جن و انسان را جز برای عبادت ( پرستش ، بندگی و اطاعت از برنامه و منهج خداوندی ) نیافریده ایم .. لذا طبیعت آدمی با خوی عبودیت ( بندگی ، اطاعت و پرستش ) سرشته شده است . اگر انسان خداوند را عبودیت و بندگی ننماید کسان و یا چیزهای دیگری را اله خود قرار داده و بندگی خواهد کرد .

---

<sup>۱</sup> - ذاریات/ ۵۶

انسان در هر عصر و زمانی لزوماً دارای اهداف و آرمانهایی است که برای رسیدن به آنها در تلاش و تکاپو است و زندگی او بدون هدف و روش ، غیر قابل تصور است ، حتی پوچگرایان هم در زندگی دارای هدف ( نجات از یک تنگنا ) و روش ( بی قید و بندی و نهایتاً خودکشی و...) می باشند که به مجموعه ی این هدف و روش دین گفته می شود . و مرجعی که این هدف و روش از آن گرفته می شود ، خواه انسان باشد یا هوای نفس ، ویا رهبر و فرمانروا باشد یا پروردگار جهانیان ، اله و معبود گفته می شود .

در گذشته اله و معبود در قالب بت ، ستاره ، جن ، ملائکه ، احبار و رهبان و ... بود ، اما امروزه به اقتضای زمان رنگ عوض کرده است و الا اعطای صفات الهه ( فرمانروایی و قانونگذاری و فریادرسی ) به هرچیز و هرکس دیگری ، تبدیل او به اله و معبود محسوب می شود.

امام محمد غزالی ( رح ) می فرماید : هر آنچه آدمی در بند آن است ، بنده ی آن است و همان اله و معبود او است . **أَرْءَيْتَ**

مَنْ أَخَذَ إِلَهَهُ هَوْنَهُ<sup>(۱)</sup> هیچ دیده ای کسی را که ، هوی و هوس ( و خواسته های نفسانی ) خود را « اله » و معبود خود کرده است . ( و برابر خواهشات نفسانی خود عمل می نماید ) . پیامبر (ص) فرماید : « تَعِسَ عَبْدٌ دِينَارٍ ، تَعِسَ عَبْدٌ دِرْهَمٍ » نابود باد بنده ی دینار و درهم و آنکه هدفش ( و اله او ) پول و ثروت است .

خداوند متعال ، پیامبران را به منظور تصحیح بینش و هدایت انسانها مبعوث گرداند و مهمترین وظیفه ی آنها را دعوت به « لا اله الا الله » و اجتناب از طاغوت و عدم بندگی دیگران قرار داد ...

(( مقصود هر کس ، معبود او است ، بنگر که مقصودت چیست یا کیست؟ الهِ واقعی ( الله ) یا الهِ باطل ، همان هم معبودت تو است ))

---

<sup>۱</sup> - فرقان/۴۳



## معنی و مفهوم « اله » از دیدگاه قرآن

قرآن معانی و مفاهیم اله را در ذات « الله » متمرکز ساخته و الله را به عنوان یگانه اله معرفی می کند و سایر آلهه را باطل و مردود می شمارد .

... وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُهُ وَاحِدٌ ...<sup>(۱)</sup> اله و معبودی جز معبود یگانه وجود ندارد .

... وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ ...<sup>(۲)</sup> اله و معبودی جز الله وجود ندارد

قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿١٦﴾

<sup>(۳)</sup> ( ای پیامبر ) بگو : او خدای یکتاست و من از آنچه ( جاندار و بی جان ) انباز خدا می کنید ، بیزارم .

---

۱- مائده/ ۷۳      ۲- آل عمران/ ۶۲      ۳- انعام/ ۱۹

« لا اله الا الله »

## الله ، یگانه اله بر حق آسمان و زمین

قرآن الله را فقط به عنوان اله آسمان معرفی نمی کند ، بلکه او را به عنوان یگانه اله آسمانها و زمین معرفی می کند .

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ وَهُوَ الْحَكِيمُ

الْعَلِيمُ ﴿١﴾ خدا آن کسی است که هم در آسمانها اله است و

هم در زمین ، و او حکیمِ کاربجا و دانا است .

کفار از اینکه قرآن الهه را نفی و اله واحد را مطرح می نماید

با شگفتی می گویند : أَجْعَلُ الْأَلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا ۗ إِنَّ هَذَا

لَشَيْءٌ عَجَابٌ ﴿٢﴾ آیا او بجای این همه الهه به اله واحدی

معتقد است ، واقعاً این ( حرفی که می زند ) چیز شگفتی است .

(( هشدار و تهدید قرآن )) : قرآن در تهدید مشرکان می فرماید:

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ۗ آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴿٣﴾

---

۱- زخرف/۸۴ ۲- ص/۵ ۳- ق/۲۶

آن کس که با الله موجود دیگری را به عنوان اله برگزیده است پس او را به عذاب سخت (دوزخ) بیندازید .

(( موضعگیری درست )) : خداوند خطاب به پیامبر و به تبع

آن خطاب به مؤمنین می فرماید : قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُهُ وَاحِدٌ

وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ <sup>(۱)</sup> (ای پیامبر) بگو الله، یگانه اله واحد

است و من از آنچه (جاندار و بی جان) انباز خدا می کنید بیزارم

« لا اله الا الله : لا خالق الا الله »

الله ، یگانه خالق و آفریننده ی هستی

اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ <sup>ط</sup> (۲) الله پروردگار شما

و آفریدگار همه اشیا است جز او اله و آفریننده ای نیست . ( که

از روی آثار و نشانه هایش و نظم حاکم بر جهان هستی و همچنین

دلالت فطرت ، به وجود او پی برده و به آفرینندگی او اذعان داریم ) <sup>(۳)</sup>

---

۱- انعام/ ۱۹ ۲- غافر/ ۶۲ ۳- برای آگاهی بیشتر به کتاب "

شناخت آفریدگار جهان و راز آفرینش انسان " از همین قلم مراجعه شود

« لا اله الا الله : لا مدبر الا الله »

الله ، یگانه اداره کننده ی جهان هستی

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ<sup>ط</sup> أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿٧١﴾ قُلْ

أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ<sup>ط</sup> تَسْكُنُونَ فِيهِ<sup>ط</sup> أَفَلَا

تُبْصِرُونَ ﴿٧٢﴾ <sup>(۱)</sup> بگو : ( ای مردم ) به من بگوئید ، اگر

خداوند متعال ( با متوقف کردن زمین ، مانع گردش آن ، و

بوجود آمدن شب و روز شود و یک طرف آن برای همیشه به

طرف خورشید و روز باشد و طرف دیگر پشت به خورشید و شب

باشد و خداوند ) شب را تا روز قیامت همیشه ماندگار کند بجز

الله کدام اله است که بتواند ( زمین را به حرکت و گردش وادار

نماید و ) برای شما روشنایی بیاورد . بگو : مرا خبر دهید اگر

۱- قصص/۷۲-۷۱

خداوند روز را ( با متوقف ساختن زمین و خورشید ) تا قیامت  
جاودانه و دائمی کند بجز الله کدام اله است که

بتواند برای شما شبی را بیاورد تا در آن بیارامید ؟

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ <sup>ط</sup> وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ

أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ﴿٦﴾ <sup>(۱)</sup> خداوند

بر بندگان خود کاملاً چیره است. او مراقبانی ( از میان فرشتگان  
) بر شما می گمارد و چون مرگ یکی از شما فرا رسد ،  
فرستادگان ما جان او را می گیرند ، و ( در مأموریت خود )  
کوتاهی نمی کنند .

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا <sup>ع</sup> وَلَئِن زَالَتَا إِنْ

أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ <sup>د</sup> ... <sup>(۲)</sup> خداوند آسمانها و زمین

را نگهداری می کند و نمی گذارد (از مسیر خود) خارج و نابود  
شوند ، هرگاه ( هم بخواهند از مسیر خود ) خارج و نابود شوند ،

جز خدا هیچ کس نمی تواند آنها را ( در مسیر خود ) نگاه و محفوظ دارد .

راستی اگر کره ی زمین از مدار خود خارج و به کره ی آتشین خورشید سقوط نماید کدام قدرت می تواند مانع سقوط آن شود، و یا کدام قدرت است که زمین را در این فاصله ی معین نگه داشته و از سقوط آن جلوگیری می کند ! اداره کننده ی آسمانها و زمین کیست !؟

« لا اله الا الله : لا رازق الا الله »

## الله ، یگانه رازق و روزی دهنده ی

رزق و روزی خداوند به نسبت انسان هم شامل رزق و روزی مادی ( غذا و سایر نیازهای جسمانی ) و هم شامل رزق و روزی معنوی ( علم و دانش و هدایت و عبادت ) می باشد ، اما رزق و روزی خداوند نسبت به سایر موجودات فقط از نوع ظاهری و مادی است . که دستیابی بدان از طریق اخذ اسباب ( فعالیت صنعتی ، کشاورزی ، دامپروری و ..) میسر است. و در صورت عدم

امکان بکارگیری اسباب، خداوند خود به طریق خارق العاده روزی مخلوقات را برایشان فراهم می نماید ، همچون داستان شیر و روباه بی دست و پا . و...

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿٥٨﴾<sup>(۱)</sup> تنها خدا روزی رسان و صاحب قدرت و نیرومند است و بس...

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا<sup>(۲)</sup> هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی آن ، بر عهده ی خدا است ( خدا روزی هریک را در بر و بحر می رساند ) .

يَتَأْتِيهَا النَّاسُ أَدْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ<sup>ع</sup> هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ<sup>ع</sup> لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ<sup>ط</sup> فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ<sup>(۳)</sup> ای مردم ، نعمتی را که خدا به شما عطا فرموده

است یاد آوری کنید ( و از خود بپرسید: ) آیا جز الله آفریننده ای وجود دارد که شما را از آسمان ( با آفریدن خورشید و پرتو

---

۱- ذاریات/۵۸      ۲- هود/۶      ۳- فاطر/۳

افشانی اشعه های مفید و ایجاد عمل فتو سنتز و غذا سازی در گیاهان و باراندن باران و سایر نزولات آسمانی ) و زمین ( با قرار دادن استعداد بالقوه ی رشد در بذر و نبات ، و فراهم کردن خاک مناسب و آب و ... در آن ) روزی برساند . ( نه اصلاً ) جز او اله و خدایی وجود ندارد ، پس با این حال چرا ( از راه راست و درست ) منحرف می گردید !؟

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ<sup>(۱)</sup> اگر خداوند روزی خود ( استعداد بالقوه ی رشد و نمو و تولید مثل در دانه و بذر ، و اشعه های مؤثر در عمل فتوسنتز و غذا سازی در گیاهان ، و استعداد رویش نبات از خاک ) را از شما باز دارد چه کسانی می توانند به شما روزی برسانند !؟

---

<sup>۱</sup> - ملك / ۲۱



« لا اله الا الله : لا مَلِكِ الا الله »

الله ، یگانه فرمانروای آسمان و زمین

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ

شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ <sup>(۱)</sup> کافران

می گویند : اگر خدا می خواست نه ما و نه پدران ما ، چیزی جز خدا را نمی توانستیم بپرستیم ، و چیزی را بدون اجازه ی او نمی توانستیم حرام بکنیم .

ریشه های سه گانه ایمان عبارتند از :

۱- ایمان به وحدانیت خداوند ۲- انجام خالصانه ی تمامی اشکال عبادت برای خداوند متعال ۳- اختصاص حق قانونگذاری به خداوند ، این سه از مقتضیات ” لا اله الا الله ” می باشند و نقض در هریک ، نقض در ” لا اله الا الله ” به شمار می آید؛ اَلَّا

لَهُ اَلْحَلْقُ وَالْاَمْرُ <sup>(۲)</sup> آگاه باشید تنها او می آفریند و تنها او

---

۱- نحل/۳۵ ۲- اعراف/۵۴

فرمان می دهد . زیرا خداوند آفریننده ی انسان و جهان و مالک و صاحب همه چیز و همگان است و همگان حتی برای تنفس و جرعه ای آب شدیداً به او نیازمندند ، چه جایی اینکه بخواهند دیگران را ارشاد و راهنمایی کنند ، لذا حق تحریم و تحلیل وامر و نهی هم فقط به او (خدا) اختصاص دارد .

قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللّٰهُ<sup>۱</sup> (ای پیامبر ) بگو : آیا شما بهتر

می دانید یا خداوند متعال !؟

عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا

وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ<sup>۲</sup> چه بسا چیزی را

دوست نمی دارید و آن چیز برای شما نیک باشد ، و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید و آن چیز برای شما بد باشد ، و خدا ( به رموز کارها آشنا است و ) می داند و شما نمی دانید .

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللّٰهِ<sup>۳</sup> در هر چیزی که

۱- بقره/۱۴۰ ۲- بقره/۲۱۶ ۳- شوری/۱۰

اختلاف داشته باشید ، داوری آن به خدا واگذار می گردد .  
« إِيَّاكَ نَعْبُدُ » فقط تورا عبادت ( پرستش ، اطاعت و فرمانبرداری) می کنیم .

فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ<sup>ط</sup> لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ

الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾ مؤمنون/ ۱۱۶ برتر است خداوندی که فرمانروای

راستین است و هیچ اله و فرمانروایی جز او نیست .

« اللَّهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ »<sup>(۱)</sup> فرمانروای آسمانها و زمین و آنچه در آنها است

از آن خدا است و او بر هر چیزی توانا است .

إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ<sup>ط</sup> (۲) حکم و فرمان جز در دست الله ، در

دست کس دیگری نیست .

أَتَّخِذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ

ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا<sup>ط</sup> (۳) یهودیان و

---

۱۱ - مائده/ ۱۲۰ ۲ - انعام/ ۵۷ ۳ - توبه/ ۳۱

ترسایان علاوه از خدا ، علماء دینی و پارسایان خود را هم بخدایی پذیرفته اند ، مسیح پسر مریم را نیز خدا می شمارند در حالی که بدیشان جز این دستور داده نشده است که : تنها خدای یگانه را بپرستید و بس.

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ  
(<sup>۱</sup>) شاید آنان انبازها و معبودهایی دارند که برای ایشان دینی را پدید آورده اند که خدا بدان اجازه نداده است ...

وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ﴿۲۱﴾<sup>(۲)</sup> و هر کس بدانچه که از سوی خداوند نازل شده است ( احکام قرآن ) حکم ننماید (و گردن ننهد) به یقین از کافران محسوب می شود. خداوند متعال اطاعت از قوانین و احکام صادره از سوی پیشوایان و رهبران مذهبی و حزبی را عبادت ، و آنها را ارباب ( شریکان خداوند در عبادت ) اطلاق نموده و آن را شرک قرار داده است . بنابراین کسی که مخلوقی را بر خلاف آنچه که خدا

---

<sup>۱</sup> - شوری / ۲۱ - ۲ - مائده / ۴۴

و رسولش مقرر نموده اند همراه با خشوع و محبت قلبی اطاعت نماید، آن مخلوق را ربّ و معبود خود قرار داده است هر چند که خودش او را معبود و ربّ یاد نکند ...

أَفْحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ<sup>١</sup> وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ

يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾<sup>(۱)</sup> آیا ( فاسقان ) جوای حکم جاهلیت ( ناشی از

هوی و هوس ) هستند ؟ آیا چه کسی برای افراد پرهیزکار بهتر از خدا حکم می کند ؟

این آیه بیانگر این حقیقت است که دو نوع حکم و قانون ( نه کمتر و نه بیشتر ) وجود دارد : قانون و حکم خدا ، و قانون و حکم جاهلیت . پس هر حکمی غیر از حکم خدا ، مصدر و شکل و محتوایش هر چه باشد ، حکم جاهلیت محسوب می شود .

(( نتیجه و حکم تبعیت از قانونگذاران بشری )) وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ

إِنَّكُمْ لَشُرُكُونَ ﴿٥١﴾<sup>(۲)</sup> اگر از (هوی پرستان و شیطان صفتان)

۱- ماده/۵۰ ۲- انعام/۱۲۱

اطاعت کنید بی گمان شما مشرک خواهید بود .  
« لا اله الا الله : لا مستعان الا الله »

## الله یگانه فریادرس

إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٢٠٠﴾ فقط از تو استعانت و طلب کمک و

یاری می نماییم .

قرآن بعد از نفی هر گونه قدرت و توانی بر جلب نفع و دفع شر و بلا از سوی هر اله و معبود باطلی، الله را به عنوان یگانه فریاد رس معرفی می کند . وَأَتَّخِذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً لَّا

يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ

ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا ﴿٢٠١﴾

(<sup>۱</sup>) سوای خدا ، معبودها و فریادرس هایی را برگرفته اند که چیزی را نمی آفرینند و بلکه خودشان آفریده هایی بیش نیستند و مالک سود و زینانی برای خود نبوده و بر مرگ و زندگی

---

<sup>۱</sup> - فرقان / ۳

و رستاخیز اختیار و توانی ندارند ...

وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۖ فَإِنْ فَعَلْتَ  
فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٦﴾ وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا  
كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ ۗ  
يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ ﴿١٧﴾ و بجای خدا کسی و چیزی

را پرستش مکن و به فریاد مخوان که به تو نه سودی می رساند  
و نه زیانی ، اگر چنین کنی از ستمکاران و مشرکان خواهی شد  
... اگر خداوند زیانی به تو رساند هیچکس جز او نمی تواند آن را  
برطرف گرداند و اگر بخواهد خیری به تو برساند هیچکس نمی  
تواند فضل و لطف او را از تو برگرداند ، خداوند فضل و لطف  
خود را شامل هرکس از بندگانش که بخواهد می کند ...

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا  
وَجْهَهُ ۗ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٠﴾ همراه الله معبود

۱- یونس/۱۰۷-۱۰۶ ۲- قصص/۸۸

دیگری را به فریاد مخوان ، جز او هیچ فریادرس و معبود دیگری وجود ندارد و همه چیز جز ذات او فانی و نابود می شود ، فرماندهی از آن او است و بس و همگی شما به سوی او برگردانده می شوید ...

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادُ أَمْثَالِكُمْ<sup>ط</sup> فَأَدْعُوهُمْ

فَلَيْسَتْ جِبُوتًا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٤﴾<sup>(۱)</sup> کسانی را که بجز

خدا به فریاد می خوانید ، بندگانی همچون خود شما هستند ( و کاری از آنان ساخته نیست ) آنان را به فریاد خوانید ( و از ایشان استمداد جویید ) اگر راست می گوئید ( که کاری از ایشان ساخته است ) باید که به شما پاسخ دهند .

اصحاب کهف در میان قوم خود فریاد برآوردند و گفتند : رَبُّنَا

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا هَا<sup>(۲)</sup> پروردگار

ما پروردگار آسمان و زمین است ما هرگز غیر از او را به فریاد نمی خوانیم .

---

۱- اعراف/۱۹۴ ۲- کهف/۱۴



هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ <sup>(۱)</sup> زنده

ی جاوید او است ، جز او خدایی وجود ندارد ، پس او را به فریاد خوانید و عبادت ( و دعا ) را خاص او بدانید ...

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ﴿۳۳﴾ <sup>(۲)</sup> بجز الله

، اله دیگری را به فریاد مخوان که ( اگر چنین کنی ) از زمره ی عذاب شوندگان خواهی بود ...

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ <sup>ط</sup> أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ

إِذَا دَعَانِ <sup>ط</sup> .. <sup>(۳)</sup> و هنگامی که بندگانم از تو درباره ی من

بپرسند (بگو): من نزدیکم و دعای دعا کننده را هنگامی که مرا می خواند پاسخ می گویم .

و خطاب به پیامبر می فرماید : لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ <sup>(۴)</sup>

چیزی از کار ( بندگان جز اجراء و فرمان یزدان ) در دست تو

---

۱- غافر/ ۶۵ ۲- شعراء/ ۲۱۳ ۳- بقره/ ۱۸۶ ۲- آل عمران / ۱۲۸

نیست ( بلکه همه ی امور در دست خدا است ) وَالَّذِينَ

أَتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى

اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ <sup>(۱)</sup>

کسانی که بجز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را بر می گیرند ( و بدانان تقرب و توسل می جویند و می گویند ) ما آنان را پرستش نمی کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند . خداوند روز قیامت میان ایشان ( و مؤمنان ) درباره ی چیزی که در آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد .

« لا اله الا الله : لا معبود الا الله »

**الله یگانه معبود برحق**

قرآن الله را به عنوان یگانه اله و معبودی معرفی می کند ،

که شایسته ی عبادت می باشد وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا

---

<sup>۱</sup> - زمر/ ۳

إِيَّاهُ<sup>(۱)</sup> ( ای انسان ) پروردگارت فرمان داده است که جز او را  
نپرستید .

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا  
أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾<sup>(۲)</sup> ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده  
ایم مگر اینکه به او وحی کرده ایم که معبودی جز من نیست ،  
پس فقط مرا عبادت کنید ...

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ۖ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ سُبْحٰنَهُ  
عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٦﴾<sup>(۳)</sup> بدیشان جز این دستور داده نشده  
است که

تنها خدای یگانه را بپرستید و بس ، جز الله معبودی نیست و او  
پاک و منزّه از شرک و ورزی و چیزهایی است که ایشان آنها را  
انباز قرار می دهند ...

---

۱- اسری/۲۳      ۲- انبیاء/۲۵      ۳- توبه / ۳۱

عبادت شامل : شعایر عبادی نماز ، زکات ، روزه ، حج ، جهاد ، امر به معروف و نهی از منکر ، دعا ، نذر ، صدقه ، قربانی ، استعانت و یاری طلبیدن ، خوف و رجا ، خشوع و خضوع و سایر عبادات می باشد . وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ

اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾<sup>(۱)</sup> مسجدها مختص پرستش خدا است ، و ( در

آنها ) کسی را با خدا به فریاد نخوانید و پرستش نکنید .

«الِدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ» دعا همان عبادت است

بنابراین جایز نیست که انسان یکی از این عبادات را برای غیر خدا ( کسانی همچون پیامبر ، فرشتگان مقرب ، بندگان صالح خدا و هیچیک از سایر مخلوقات خدا ) انجام دهد ، چون عبادت برای غیر خدا شرک است .. ❁ وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا

بِهِ شَيْئًا<sup>ط</sup> (۳) (تنها) خدا را عبادت کنید و ( بس ، و هیچ کس

و ) هیچ چیزی را شریک او نکنید .

---

۱- جن/۱۸ ۲- رواه ترمذی ۳- نساء/۳۶

عبودیت خالص برای خداوند به معنی ابراز نهایت خشوع و خضوع همراه با نهایت محبت می باشد و بایستی بنده با تفکر درباره عظمت و اقتدار خداوند و نعمات بی شمار او با قلبی خاضع و مملو از محبت به عبادت پروردگار بپردازد چون عبادت بدون خضوع و محبت تحقق نمی یابد . **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ**

**ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ...** <sup>(۱)</sup> برخی از مردم هستند که غیر از

خدا ، خدا گونه هایی برمی گزینند و آنان را همچون خدا دوست می دارند ، و کسانی که ایمان آورده اند خدا را سخت دوست می دارند ( و بالاتر از هر چیز و هر کس به او عشق می ورزند ) .

« **عَنْ عَائِشَةَ (رض)؛ أَنْ أُمَّ سَلَمَةَ ذَكَرَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ**

**(ص) كَيْسَةَ رَأَتْهَا بَارِضِ الْحَبَشَةِ ، وَ مَا فِيهَا مِنَ الصُّورِ ، فَقَالَ :**  
**أُولَئِكَ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الرَّجُلُ الصَّالِحُ أَوْ الْعَبْدُ الصَّالِحُ بَنَوْا**

۱- بقره/۱۶۵

عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِداً وَ صَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّورَ ، أُولَئِكَ شِرَارُ الْخَلْقِ . فَهَؤُلَاءِ جَمَعُوا بَيْنَ فِتْنَةِ الْقُبُورِ وَ فِتْنَةِ التَّمَاثِيلِ . « . از حضرت عایشه (رض) روایت شده است که حضرت ام سلمه (رض) در خدمت پیامبر (ص) از کلیسایی در حبشه ، یاد کرد که در آن تصاویر بسیاری مشاهده کرده بود. آن حضرت (ص) فرمود : هرگاه مرد صالح و یا بنده ای نیکوکار از میان آنها فوت می کرد ، در جنب مقبره اش مسجدی بنا می کردند و اینگونه تصاویر را در آن نقاشی کرده ( و بر در و دیوار آن می آویختند ) آنان بدترین مردمانند ، زیرا سبب ایجاد فتنه ی قبر پرستی و فتنه ی تصاویر شده اند .

محبت و احترام سبب گرایش انسان به محبوب و همراهی با او و قبول خواسته های او می شود ، مانند محبت و احترام فرزندان نسبت به والدین و اطاعت از آنها در امر تعلیم و تربیت . اما اگر احترام و محبت و بزرگداشت ، بیش از حد معمول نسبت به کسی یا چیزی در دل ایجاد شود موجب قداست محبوب شده و حب او تبدیل به عبادت می شود .

« لا اله الا الله : لا رب الا الله »

## الله یگانه ربّ

قرآن الله را به عنوان یگانه اله ربّ معرفی می نماید . اللهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿١٦٠﴾ <sup>(۱)</sup> جز الله ، اله و

معبودی نیست ، اله و معبودی که ربّ و صاحب عرش عظیم است . لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمْ

الْأُولَئِينَ ﴿١٦١﴾ <sup>(۲)</sup> جز او اله و خدایی نیست و او است که زنده

می گرداند و می میراند و ربّ شما و نیاکان شما است .

واژه ی ” ربّ ” در پنج معنی بکار رفته است :

۱- خالق : إِبْنُ رَبِّكُمْ اللهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

<sup>(۳)</sup> ربّ شما خداوندی است که آسمانها و زمین را آفریده است .

۲- جلب کننده منفعت و دفع کننده مضرت : قَالَ مَعَاذَ

---

۱- نمل/۲۶      ۲- دخان/۸      ۳- اعراف/۵۴

اللَّهُ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ ...<sup>(۱)</sup> یوسف گفت : پناه بر خدا او که که ربّ ( خدای ) من است مرا گرمی داشته است. ( احسن مَثْوَايَ نمونه ای از جلب منافع است ) .

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴿١﴾<sup>(۲)</sup> آیا نشنیده ای که ربّ تو با فیلداران چه کرده است و چه برسر ایشان آورده است .. ( نمونه ای از دفع مضرت است ) .

۳- مالک و صاحب : فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ﴿٢﴾<sup>(۳)</sup> بایستی ربّ ( مالک و صاحب ) این خانه ( کعبه ) را بپرستند .

لَوْ كَانَ فِيهِمَا ءِآهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا<sup>٤</sup> فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٧﴾<sup>(۴)</sup> . اگر در آسمانها و زمین غیر از الله ، اله و خدایانی می بودند ( و امور جهان را می چرخاندند ) قطعاً آسمانها و زمین تباه می گردید ( و نظام گیتی به هم می خورد ) لذا ربّ ( صاحب ) سلطنت جهان ، بسی برتر از آن چیزهایی

---

۱- یوسف / ۲۳ - ۲- فیل / ۱ - ۳- قریش / ۳ - ۴- انبیاء / ۲۲



است که ایشان بر زبان می رانند ...

۴- فرمانروا : فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى ﴿١٢٤﴾<sup>(۱)</sup> فرعون گفت :

من والاترین ربّ و فرمانروای شما هستم .

فرعون علاوه بر خداوند خالق هستی به الهه و فریادرسان دیگری اعتقاد داشت ، همچنانکه اطرافیانش گفتند : وَقَالَ الْمَلَأُ

مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ

وَيَذْرَكُ وَاِلٰهَتَكَ<sup>ع</sup> (۲) اشراف قوم فرعون ( بدو ) گفتند : آیا

موسی و پیروان او را آزاد و رها می سازی تا در سرزمین ( مصر آزادانه) به فساد پردازند و الهه و فریاد رسان تورا ترک گویند.

۵- فریادرس :

تمام ( ربّنا ) های قرآن متضمن معنی فریاد رس است که

در این دعاها از ربّ جلب منفعت و یا دفع مضرتی را خواستار

می شویم. رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ ﴿١٣٦﴾<sup>(۳)</sup>

۳- اعراف/۱۲۶

۲- اعراف/۱۲۷

۱- نازعات/ ۲۴

پروردگارا! صبر عظیم به ما مرحمت فرما و ما را مسلمان بمیران  
( درخواست جلب منفعت شده است ) .

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا ءَامِنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ

النَّارِ ﴿١٦﴾<sup>(۱)</sup> پروردگارا! ما ایمان آورده ایم، پس گناهان ما را

ببخش و ما را از عذاب آتش دور مدار. ( درخواست دفع مضرت شده  
است ) .

### شروط لا اله الا الله

۱- علم : اولین شرط برای ایمان و اعتقاد به “ لا اله الا الله ” ،  
علم به معنی و مفهوم این کلمه ( که جز الله کسی خالق، رازق ،  
مدبر ، فرمانروا ، فریادرس ، معبود ، رب ، جلب کننده ی منفعت  
و دفع کننده ی مضرت نیست ) می باشد .

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...<sup>(۲)</sup> بدان که قطعاً هیچ معبودی جز  
الله وجود ندارد .

---

<sup>۱</sup> - آل عمران/ ۱۶      <sup>۱</sup> - محمد/ ۱۹

۲- یقین : بعد از علم به معنی و مفهوم این کلمه ، اقرار به ” لا اله الا الله “ همراه با باور قلبی و بدور از هرگونه شک و تردید و اعتقاد قاطع بر باطل بودن سایر آلهه ، لازمه ی باور به این کلمه است .

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا<sup>(۱)</sup>  
مؤمنان ( واقعی ) تنها کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند ، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده اند .

۳- پذیرش : بعد از علم و یقین بر معنی و مفهوم ” لا اله الا الله “ لازم است هر آنچه این کلمه اقتضا می نماید ، و هر آنچه از سوی خدا و رسول آمده است بدون چون و چرا بپذیرد و هرگز نصوص را تأویل نادرست و تحریف ننماید و هیچ یک از احکام شرعی را رد ننماید و نسبت به پذیرش آنها کمترین اکراهی نداشته باشد .

---

<sup>۱</sup> - حجرات/۱۵

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَدْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً <sup>(۱)</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید همگی اسلام را به کمال و تمام بپذیرید.

۴- تسلیم و اذعان کامل: بعد از پذیرش حقیقت ” لا اله الا الله “ قلباً تسلیم اوامر و نواهی خدا و رسول باشد و تمامی فرامین و دستورات آنها را مشتاقانه عمل نماید.

۵- صداقت و راستگویی: شخص مؤمن بایستی در ایمان و عمل به مقتضای ” لا اله الا الله “ صادق و راستگو باشد ، زیرا کذب در ایمان و عبادت، نفاق محسوب می شود ، و فاقد هرگونه اعتباری است. يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ <sup>(۲)</sup> ای مؤمنان ، از خدا بترسید و همگام با راستگویان باشید .

۶- اخلاص : اخلاص ، عبارت است از : پاک نمودن افکار و اعتقادات و گفتار و اعمال از کلیه ی آثار شرک و ریا و منافع و

---

۲- توبه/ ۱۱۹

۱- بقره/ ۲۰۸

مصالح شخصی و حزبی ، و ادای کامل آنها فقط بخاطر خدا و کسب رضای وی می باشد . وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ...<sup>(۱)</sup> در حالی که جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حقگرایانه خدای را بپرستید و تنها شریعت او را آئین ( خود ) بدانید .

۷- **حب خدا و رسول** : مؤمن به " لا اله الا الله " بایستی محبت خدا و رسول و محبوبات آن دو را بر محبوبات نفس و شهوات و تمایلات نفسانی خود ترجیح دهد و از هر آنچه که خدا و رسول ناخوشایند می دانند ، دوری نماید .

« لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهَا »<sup>(۲)</sup> ایمان کسی از شما کامل نخواهد بود تا اینکه خدا و رسول نزد وی از همه چیز و همه کس محبوب تر باشند .

---

۱- بینه / ۵ - ۲- متفق علیه

## رسالت انبیاء

رسالت انبیاء شامل دو پیام مهم و اساسی و لازم و ملزوم یکدیگر بوده است :

۱- دعوت به عبودیت خداوند یکتا

۲- خوداری از اطاعت و بندگی کردن طاغوت

با بررسی و مطالعه ی سرگذشت پیامبران پی می بریم که اختلاف آنها با مخالفینشان در مورد اثبات وجود خداوند متعال نبوده است ، بلکه آنان به آفریننده و مدبر کون و هستی اذعان داشته اند ، ولیکن در عبودیت ( پرستش ، اطاعت ، استعانت و راز و نیاز ) دچار انحراف شده ، و وظیفه ی پیامبران هم ، بیان انحراف آنها و تصحیح بینش و باطل شمردن آله های ساختگی آنان و مشخص کردن مفاهیم الوهیت و متمرکز ساختن آن مفاهیم در ذات واحد الله بوده است . **أَيْشِرْكَوْنَ مَا لَا تَخْلُقُ شَيْئًا**

**وَهُمْ يُخْلِقُونَ** ﴿۱۱۱﴾ آیا چیزهایی را انباز خدا می سازید

که نمی توانند چیزی را بیافرینند و بلکه خودشان هم آفریده شده اند .

يَتَأْتِيهَا النَّاسُ ضُرْبَ مَثَلٍ فَاَسْتَمِعُوا لَهُ<sup>ع</sup> إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ تَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ<sup>ط</sup>

(<sup>۱</sup>) ای مردم مثلی زده شده است ( به دقت ) به آن گوش فرا دهید ، آن کسانی را که غیر از خدا به کمک می خوانید و پرستش می نمایید هرگز نمی توانند مگسی را بیافرینند ، اگر هم همگان (برای آفرینش آن ) دست به دست یکدیگر دهند ...

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ<sup>ط</sup> لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا هُمْ فِيهِمَا مِنْ

شَرِكٍ وَمَا لَهُمْ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ ﴿۲۲﴾<sup>۲</sup> ( ای پیامبر به مشرکان ) بگو : کسانی را به فریاد بخوانید که بجز خدا ( معبود خود ) می پندارید ( اما بدانید ) آنها در آسمانها و زمین کمترین حق

---

۱- حج/۷۳ ۲- سبأ/۲۲ ۳- مؤمنون/۲۲ ۴- عنکبوت/۱۶

مشارکت ( در خلقت و مالکیت و اداره ی جهان ) نداشته و خداوند در میانشان یاور و پشتیبانی ندارد.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَنْقَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ (۱)

وَأَبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ۖ (۲)

« و الی عادِ اخاهم هوداً ... و الی ثمود اخاهم صالحاً ... و الی مدین اخاهم شعیباً قال یا قوم اعبدوا الله ... » (۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿۲۰﴾ (۴) ما پیش از تو هیچ پیغمبری

نفرستاده ایم مگر به او وحی کرده ایم که معبودی جز من نیست پس فقط مرا عبادت کنید ...

---

۱ - مؤمنون/۲۳۴ - عنکبوت/۱۶ اعراف/۸۵-۶۵ ۲ - انبیاء/ ۲۵



## پرهیز از بندگی کردن طاغوت:

عده ای به پندار باطل خود گمان کرده اند ؛ دین حق دخالت در امور اجتماعی ، اقتصادی ، اخلاقی ، فرهنگی و سیاسی مردم را نداشته و ندارد ، غافل از اینکه هدف از ارسال پیامبران به سوی اقوامشان دخالت مستقیم در امور دنیوی آنها بوده است ، هرچند آنها هم با تعجب به این امر نگریسته و گمان کرده اند که این امور خاص بشر است و تحریم و تحلیل آنها با خود آنها است .

هدف از فرستادن لوط (ع) به سوی قومش ، بازداشتن آنها از انحراف اخلاقی و عمل نا روای لوط و تبعیت از احکام خداوند بوده

است : **أَتَاتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَلَمِينَ** ﴿١٦٥﴾ **وَتَذُرُونَ مَا خَلَقَ**

**لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ** <sup>ج</sup> **بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ** ﴿١٦٦﴾ <sup>(۱)</sup>

آیا در میان جهانیان ، به سراغ جنس ذکور می روید ( و با ایشان

---

<sup>۱</sup> - شعراء/ ۱۶۶-۱۶۵

بجای زنان آمیزش جنسی می نمائید ؟) و همسرانی را که پروردگار برایتان آفریده است رها می سازید بلکه اصلاً شما قومی هستید که ( با ارتکاب معاصی ) از حد می گذرید .

و هدف از آمدن شعیب (ع) به سوی قومش ، اصلاح وضعیت اجتماعی - اقتصادی آنها بوده است : وَيَقْوَمِ أَوْفُوا

الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ<sup>ط</sup> وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ

أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعَثُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِدِينَ ﴿٨٥﴾<sup>ط</sup> ای قوم

من ! ترازو و پیمانه را از روی عدل و داد ، به تمام و کمال بسنجید و از چیزهای مردم نگاهید و در زمین تباهاکارانه تباهی

نورزید . قَالُوا يَشْعِيبُ أَصْلَوْتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ مَا

يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ<sup>ط</sup> إِنَّكَ لَأَنْتَ

الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾<sup>ط</sup> گفتند : ای شعیب ! آیا نمازهایت به

تو دستور می دهد که ما چیزهایی را ترک کنیم که پدرانمان آنها را پرستیده اندوما نتوانیم به دلخواه خود در اموال خویش تصرف کنیم

و هدف از فرستادن موسی (ع) به سوی قوم بنی اسرائیل نجات آنها از ظلم و ستم فرعون ، و زندگی در سایه ی برنامه خداوند بوده است ، و قرآن عمل کنندگان به احکام غیر الهی را در زمره ی کافران و ظالمان قرار داده است .

و هدف از فرستادن عیسی (ع) بعد از موسی (ع) تصدیق تورات و حلال کردن برخی چیزهایی بود که خداوند برای گذشتگان نشان بخاطر نافرمانی هایشان حرام کرده بود : **وَلَا حِلَّ لَكُمْ بَعْضَ**

**الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ**<sup>(۱)</sup> تا پاره ای از چیزهایی را که ( بر اثر ستم و گناه ) بر شما حرام شده است ، برایتان حلال کنم .

**وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْأَنْبِيَاءِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ<sup>ع</sup> وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ** <sup>(۲)</sup> باید پیروان انجیل

---

۱- آل عمران/۵۰      ۲- مائده / ۴۷

به چیزی حکم کنند که خدا در انجیل نازل کرده است و کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند ، او و امثال او متمرّد ( از شریعت خدا ) هستند .

با تأمل در آیات مذکور در می یابیم که عقیده ارتباط تنگاتنگی با شریعت دارد و آن دو لازم و ملزوم یکدیگرند ، و از مقتضیات ” لا اله الا الله “ عمل به قانون و شریعت خداوند در تمامی جوانب زندگی است .

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ

وَأَجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ <sup>(۱)</sup> و ما به میان هر ملتی پیامبری را

فرستاده ایم ( و محتوای دعوت همه ی پیامبران این بوده است ) که خدا را بپرستید و از طاغوت دوری کنید . (نه خود طاغوت شوید و نه از طاغوت اطاعت نمایید ) .

مقدمه ی ایمان به خدا ، انکار طاغوت است ، همچنانکه در

آیه ۲۵۶ سوره بقره آمده است : لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ <sup>ط</sup> قَدْ تَبَيَّنَ

---

۱- نحل/۳۶

الرُّشْدُ مِنَ الْغِيِّ ۚ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ  
فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا ...

پس کسی که به طاغوت کفر بورزد و به خدا ایمان بیاورد به محکمترین دستاویز در آویخته است ( و او را از سقوط و هلاکت می رهند ) و اصلاً گسستن ندارد .

طاغوت کلمه ای است مشتق از طغیان به معنی متجاوز از حد .

امام ابن قیم (رح) می فرماید : طاغوت ، بنده ای است که از حدود خود تجاوز نماید و معبود و یا فرمانروا شناخته شود . طاغوت در میان هر قومی کسی است که بجای خدا و رسول حَکَم واقع شود و دستوراتش نافذ و مورد قبول باشد ، یا بجای الله عبادت شود ، یا در اثر جهل ، از او تبعیت شود و به مانند خدا از او اطاعت کنند . اگر درباره ی طاغوتها و احوال و اوضاع مردمان بیندیشی متوجه خواهی شد که بیشتر مردمان از عبادت و اطاعت خدای و رسولش (ص) روی برتافته و به عبادت و اطاعت از طاغوت مشغولند ...

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ  
وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ  
وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۖ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ

ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦١﴾ (ای پیامبر) آیا تعجب نمی کنی از کسانی

که گمان می کنند که بدانچه بر تو نازل شده و بدانچه پیش از  
تو نازل شده ایمان دارند ( ولی ) می خواهند داوری را به پیش  
طاغوت ببرند ( و حکم او را به جای حکم خدا بپذیرند ) و حال  
آنکه بدیشان فرمان داده شده است که به طاغوت کفر بورزند و  
اهریمن می خواهد که بسی ایشان را گمراه کند ...

وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ﴿٦٢﴾

(<sup>۲</sup>) و هرکس برابر آن چیزی که خدا نازل کرده است حکم نکند  
او و امثال او بی گمان کافرند ... <sup>ج</sup> إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ <sup>ج</sup> أَمْرًا أَلَّا

تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ<sup>(۱)</sup> فرمانروایی ( و قانگذاری) از آن خدا است و  
و بس ، خدا دستور داده است که جز او را عبادت ( بندگی و  
اطاعت ) نکنید .

أَفْحَكَمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ<sup>ج</sup> وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ

يُوقِنُونَ<sup>(۲)</sup> آیا ( فاسقان ) جویای حکم جاهلیت ( ناشی از هوی  
و هوس ) هستند ؟ آیا چه کسی برای افراد پرهیزکار بهتر از خدا  
حکم می کند ؟

هر جامعه ای که براساس اسلام و قانون اسلام اداره نشود و  
در ایدئولوژی و ایمان و اعتقادات و شعایر عبادی و در شرایع و  
قانون برخلاف مفهوم « لا اله الا الله » عمل نماید ، و حاکمیت  
نظام غیر الهی را می پذیرد و بر قوانین آن گردن می نهد و اصول  
آن را پایدار می سازد و جزئیات را پیروی می نماید و اصول  
زندگیشان بر اساس همان اصول است ، جامعه ی غیر اسلامی  
محسوب می شود<sup>(۳)</sup>

---

۱- یوسف/۴۰      ۲- مائده/۵۰      ۳- چراغی بر فراز راه سید قطب

« لا اله الا الله ؛ عنوان یک راه و روش جدید و خدایی است که در دلها جز در برابر سلطه و فرمانروایی او ، سر خضوع فرود نمی آورند.

لا اله الا الله ؛ ندای جهان شمول برای آزاد ساختن انسانها از بند بندگی هموعان ، محیط، آداب و رسوم وهر مخلوق دیگری است.  
لا اله الا الله ؛ اعلان نبرد و مبارزه بر علیه همه ی زورگویان و طواغیت و سردمداران جاهلیت ، و انقلابی فراگیر بر علیه همه ی بت ها و خداهای بشر ساخته است .

لا اله الا الله ؛ ندای سرنگونی تخت زورگویان و مرگِ جلال و جبروت آنان و طنین امداد و نصرت مستضعفان است .

لا اله الا الله ؛ اعلام ایجاد یک جامعه ی نوین با عقیده و نظام ممتاز و متمایز از جوامع جاهلی است که نژاد پرستی ، اقلیم گرایی ، نظام طبقاتی و خود خواهی در آن جایی ندارد .<sup>(۱)</sup>

موحد چه در پای ریزی زرش چه شمشیر هندی نهی بر سرش  
بیم و امیدش نباشد زکس بر این است مبنای توحید و بس<sup>(۲)</sup>

---

۱- نقش ایمان در زندگی دکتر قرضاوی ۲- گلستان سعدی



## تحقق توحید

تحقق توحید در زندگی مؤمن در گروه آگاهی از معنی و مفهوم "لا اله الا الله" و پذیرش حقانیت آن، و عمل به مقتضی آن است، که به صورت؛ احساس محبت و خوف قلبی از خداوند و توبه و بازگشت به سوی او و توکل و دعا و اخلاص، و هیبت و تعظیم الله و بیرون راندن غیر الله در قلب، و اجرای احکام او در زندگی فردی و اجتماعی، ظاهر می شود.

کسی که دیگری را دوست بدارد و دستوراتش را اطاعت نماید و حب و کینه اش بخاطر او و برای خشنودی او باشد، همان اله و معبود او است. و هر آنکه حب و بغضش بخاطر خواسته و تمایلات نفسانیش باشد، و بخاطر خواسته های خود با دیگران دوستی و دشمنی نماید، همانا اله او هوای نفسش است. *أَرَأَيْتَ مَنْ آتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ*<sup>(۱)</sup> هیچ دیده ای کسی را که، هوی و هوس خود را «اله» و معبود خود کرده است.

---

۱- فرقان/۴۳

( و هوا پرستی را جایگزین خداپرستی می نماید ) . و هر آنکه  
حب و بغضش بخاطر خدا و برای کسب رضای وی باشد ، همانا  
الله ، اله او است .

## عوامل تحریف معنی و مفهوم لا اله الا الله

با از بین رفتن ذوق عربی سالم ، بتدریج کیفیت معانی و  
مفهوم کلمات دچار تغییر و تحول گردید ، و در فرهنگ عامه ی  
مردم « اله » را مترادف با « بت » و « عبادت » را مترادف با  
« پرستش » پنداشتند . و گمان بردند ؛ هر آنکه بت را پرستش  
نماید ، موحد است ! اما این نگرش به همین سادگی بوقوع  
نیپوست ، بلکه برعکس ، عواملی در تلاش و تکاپو بودند که دین  
را تحریف کنند ، اما از آنجائیکه خداوند خود ، حفظ دین را  
حضانت کرده بود **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** ﴿۹۱﴾  
(<sup>۱</sup>) ما خود قرآن را فرو فرستاده ایم و خود ما پاسدار آن  
می باشیم .

---

۱- حجر/۹

اینان چون ورود از این باب را ناممکن دیدند ، درب دیگری ( تحریف معانی و مفاهیم قرآنی ) را گشودند و این عوامل عبارت بودند از :

۱- **تفکر ارجایی** : مرجئه از نظر لغوی به معنی تاخیر ، امید دادن و امیدوار ساختن می باشد

تفکر مرجئه متأثر از تهاجم فکری فلسفی یونانی بود ، مرجئه آمدند و گفتند ؛ ایمان عبارت است از تصدیق قلبی و اقرار به زبان و بس. و عمل و عبادت چندان اهمیتی ندارد ، آنگاه مردم در انجام واجبات سستی نمودند و مصیبت بزرگ بوجود آمد .

اینان چنان گمانی به منحرفان و غافلان تلقین کردند که با وجود کوتاهی در انجام واجباتشان ، و ترک عبادات و ارتکاب معاصی ، همچنان در راه خیر گام بر می دارند و هیچ خطری آنها تهدید نمی کند به شرط اینکه در درونشان به وحدانیت خداوند اعتقاد داشته و با زبانشان جمله ی ” لا اله الا الله “ را تکرار کنند . در حالی که این، انحراف بزرگی از ” لا اله الا الله “

و مقتضیات آن بود . چون ثمره ی ایمان ، عمل صالح است و و نشانه ی وجود ایمان در درون ، بروز عمل صالح و تقوی است .

## ۲- سلاطین و پادشاهان : یکی از معانی « لا اله الا الله »

کسی جز الله شایسته ی اطاعت نیست “ بود . سلاطین و شاهان این مفهوم را مانع اجرای خواسته های بی قید و شرط خود می دیدند ، چون با توجه به این معنی ؛ یگانه فرمانروا فقط خدا است و کسی جز او نه فرمانش روا ، و نه شایسته اطاعت است . در نتیجه به منظور رسمیت بخشیدن به فرامین خود به تحریف مفهوم این کلمه پرداختند و قدرت و فرمانروایی خداوند را به آسمانها و امور طبیعی و سماوی محدود و مقید ساختند و او را خداوندگار آسمان و خویشتن را خداوندگار و فرمانروای زمین خواندند ، غافل از اینکه قرآن می فرماید : **وَهُوَ الَّذِي فِي**

**السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ** ﴿١٤٤﴾

(<sup>۱</sup>) الله آن کسی است که در آسمانها فرمانروا و معبود است و در

---

۱- زخرف/۸۴

زمین هم فرمانروا و معبود ...

(( رهبران سیاسی با تحریف این بخش از مفهوم " لا اله الا الله " "مردمان را از بینش توحیدی منحرف ساخته و به آسانی بنده ی خود ساختند )) .

۳- مقدس مآبان : یکی دیگر از معانی « لا اله الا الله » " جز الله کسی فریاد رس نیست " بود . مقدس مآبان و پیروان آنها و گاهی هم دوستان نادان به منظور اکرام و تقدیس انبیاء و شهداء و صلحا و بزرگان دین و ... قبور و ارواح آنها را منشأ فیوضات الهی و فریادرس و حمایت کننده ی مردم در هنگام سختی و شداید ، و برآورنده ی حاجات و نیازها و دارای اراده و مشیت و قدرت خارق العاده پنداشتند ، و از این طریق باب دیگری در جهت تحریف مفهوم این کلمه گشودند و همچون پاپ در دین مسیحیت به گشودن دکان و رونق بازار خود پرداختند . غافل از اینکه در قرآن می فرماید : **إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ<sup>ط</sup> فَادْعُوهُمْ فَلَيْسَ جِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ**

صَدِّقِينَ ﴿١٤﴾ (۱) کسانی را که بجز خدا به فریاد می خوانید

بندگانی همچون خود شما هستند ( و کاری از آنها ساخته نیست ) آنان را به فریاد خوانید و اگر راست می گوید ( که کاری از ایشان ساخته است ) باید که به شما پاسخ دهند ...

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿١٣﴾

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ<sup>ط</sup> ... (۲) و بجز خداوند کسانی را که به فریاد می خوانید ،

حتی مالکیت و حاکمیت پوسته ی نازک خرمایی را ندارند اگر آنها را به فریاد بخوانید صدای شما را نمی شنوند و ( به فرض ) اگر هم بشنوند ، توانایی پاسخگویی به شما را ندارند ...

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا

أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٥﴾ (۳) کسانی را که شما بجز خداوند به

---

۱- اعراف/۱۹۴ ۲- فاطر/۱۴-۱۳ ۳- اعراف/۱۹۷

فریاد می خوانید نه می توانند شما را یاری دهند و نه می توانند خویشتن را کمک کنند ( چنانچه تاریخ این حقیقت را ثابت کرده است و حال هم به چشم خود می بینیم که اینان نتوانسته و نمی توانند خطر را از خود دفع کنند چه جای اینکه به فریاد دیگران برسند )<sup>(۱)</sup>

---

۱- رهبران مذهبی فاقد تقوا و بی پروا از خدا و محاکمه ی آخرت ، در قالب های مختلف ، عوام الناس را به بردگی و بندگی وادارمی نمایند . و عوام را به اجرای بی قید و شرط دستورات خود فرا می خوانند. و با گشودن مرکز تجاری عظیمی خود را خادم مقبره ی فلان باب الحوائج معرفی می کنند . و ... و اینگونه دین را وسیله ی جمع آوری پول و سرمایه و ابزار مکیدن خون عوام قرار می دهند ، و صدای خواص را هم با نعره ی عوام استحمار شده در نطفه خفه می کنند ... و به اصطلاح مسلمانان ، هم از این هشدار خداوند که مبادا همچون یهود و نصاری شوند غافلند : « اتخذوا احبارهم و رهبانهم ارباباً من دون الله » رهبران مذهبی را بجای خدا اله و فرمانروا و قانونگذار خود قرار دادند ...

۴- **تصوف** : تفکر عزلت و گوشه نشینی دائمی ، تفکر فناء ، تفکر رشد جنبه ی روحی و تسلط روح بر جسم و اهمال نسبت به خواسته های جسم ، تفکر رها کردن واقعیت های موجود و دوری گرفتن از آنها به بهانه ی پست بودن آنها ، تفکر طهارت روح از پلیدیهای جسمی با از بین بردن غرایز شهوانی و تمرینات راهبانه ، تفکر حلول در روح الارواح و متحد شدن با او ، هیچ یک از بینش و تفکرات اسلامی نبوده بلکه تفکر هندی و مسیحی و وارداتی است و در اسلام جایگاهی ندارند .

پیامبر (ص) که خود سید و سرور زاهدان می باشد ، هرگز در صومعه ای دور از مردم و میدان زندگی ، حیات را به سر نبرد ، و لحظه ای از جهاد و مبارزه برای اعلاهی کلمه الله و حکومت داری دست نکشید و زندگی شخصی و بهره مندی از دنیا را در حد قوانین مقرر رها نکرد .

خداوند متعال غرایز شهوانی را در درون انسان بودیعه نهاده است تا مشوق و محرک او در جهت آبادانی زمین و به انجام رساندن امر خلافتش در زمین شوند و اگر انسان آنها را



نابود کند ، دیگر مشوق و عاملی برای آبادانی زمین وجود نخواهد داشت .

اسلام برای غرایز چهار چوب های حلال ، حرام و مباح را مقرر کرده است ، و برای پاسخگویی به غرایز در آن چهار چوب ، اجر و پاداش را در نظر گرفته است : « وَ فِي بَضْعِ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ . قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ آيَاتِي أَحَدُنَا شَهْوَتُهُ وَ يَكُونُ لَهُ فِيهَا أَجْرٌ ؟ قَالَ : أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ أ كَانَ وَزِراً ؟ قَالُوا : نَعَمْ . قَالَ : كَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ »<sup>(۱)</sup>

روابط زناشویی شما عبادت محسوب می شود . اصحاب ( با تعجب) گفتند : آیا اگر کسی از ما شهوت خود را ارضا کند برای او اجر محسوب می شود ؟ پیامبر (ص) فرمود : آیا اگر این کار را از طریق حرام انجام دهد برای او گناه محسوب نمی شود ؟ یاران گفتند : بلی . پس آن حضرت فرمود : به همین گونه هم اگر از طریق حلال باشد اجر و ثواب محسوب می شود .

---

<sup>۱</sup> - رواه مسلم و ترمذی

آنچه که پلید است اعمال فاحشه یعنی تجاوز از حدود و مقررات الهی است ، بنابراین شخص مسلمان هیچگاه سعی در از بین بردن غرایزش نمی کند تا شیطان را از خود دور گرداند ، بلکه اوامر خداوند را در راستای آنها بکار می گیرد . فَمَنْ تَبَعَ

هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۳۸﴾ <sup>(۱)</sup> کسانی که از برنامه ی هدایت پیروی کنند ، نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه غمگین خواهند شد .

خطا و گناه برای انسان امری طبیعی و عادی محسوب می شود ، چون انسان ملائکه نیست و از او هم خواسته نشده است که ملائکه شود با این تفاوت بعد از ارتکاب معصیت توبه کرده و به سوی پروردگارش بر می گردد : وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ

---

<sup>۱</sup> - بقره/۳۸

وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ  
 يَعْلَمُونَ ﴿١٢٥﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ  
 وَجَنَّتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا... <sup>ج</sup> (١) و

کسانی که چون دچار گناه ( کبیره ای ) شدند ، یا ( با انجام  
 گناه صغیره ) بر خویشتن ستم کردند ، به یاد خدا می افتند و  
 آمرزش گناهانشان را خواستار می شوند و بجز خدا کیست که  
 گناهان را بیامرزد و با علم و آگاهی بر چیزی که انجام داده اند  
 پافشاری نمی کنند . آن چنان پرهیزگاری پاداششان آمرزش  
 خدایشان و باغهای ( بهشتی ) است که در زیر ( درختان ) آنها  
 جویبارها روان است و جاودانه در آنجا می مانند...

این گونه تفکرات خارج از دایره ی اسلام بوده و این اعمال  
 نه تنها انسان را به خداوند نزدیک نمی نمایند ، بلکه او را از خدا  
 و رحمت او محروم می نماید .

---

<sup>١</sup> - آل عمران / ١٣٦-١٣٥

معمولاً به هنگام انحطاط و عقب نشینی تدریجی از مقتضیات ” لا اله الا الله “ بویژه در زمینه های سیاسی و اجتماعی، که در این حال بیشتر به مسایل شخصی و شعایر عبادی اهمیت داده می شود ، تصوف پا به میدان می گذارد و نسبت به انجام شعایر عبادی تأکید بسیاری می ورزد و مقتضیات سیاسی ” لا اله الا الله “ و شعبه ی جهاد بطور عام – خواه در زمینه ی مبارزه با دشمنان و خواه در زمینه ی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه – بطور کامل نادیده می گیرد و گمان می کنند که با اوراد و اذکار و توسل به بارگاه ها به کلّ اسلام عمل نموده اند و خود را از آتش دوزخ رها کرده اند لذا انتظار هم نشینی با حوریان بهشتی را در سر می پروراند. <sup>(۱)</sup>

---

<sup>۱</sup> - آنچه که درباره ی تصوف بیان گردید ، منظور همان انحرافات است که امام عبدالقادر گیلانی در کتاب فتح الرّبّانی و امام محمد غزالی در بسیاری از نوشته هایش و سایر ائمه در آثارشان به شدت آنها را مورد مذمت قرار داده اند ، گرچه دشمنان، بسیاری از این انحرافات را منتأسفانه بدون هیچگونه سند و مدرکی به خود آنان نسبت داده اند ، در حالی که دامان آنها از هرگونه شائبه ای پاک و سرّه بوده است . تزکیه و تطهیر نفس و صفا و پاکی درون از

۵- کاهنان ، ساحران و شعبده بازان : این عده به آفرینندگی و مدبر بودن خداوند متعال معتقد هستند و لیکن در الوهیت او انحراف ایجاد کردند ، بدینگونه که برای خود قدرت خارق العاده و توانایی دخل و تصرف در زندگی مردمان قایل شده، و از این طریق به عوام فریبی پرداختند و بر عقیده ی توحیدی تأثیر منفی نهادند . در حالی که در قرآن آمده است : ... وَمَا هُمْ بِضَآرِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ... <sup>(۱)</sup> و حال آنکه آنان با جادوی (خویش) نمی توانند به کسی زیان برسانند مگر با اجازه و خواست خدا باشد ( زیرا اگر فرد تحت تأثیر خرافات و اوهام قرار گیرد، خداوند هم او را رها می سازد تا دیگران فریبش دهند)

وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ <sup>(۲)</sup> اگر خداوند زیانی به تو رساند هیچکس

آلودگی های شرک و نفاق برابر قرآن و سنت صحیح نبوی بر هر مسلمانی فرض عین است . ۱- بقره/۱۰۲ ۲- یونس/۱۰۷

جز او نمی تواند آن را بر طرف گرداند و اگر بخواهد خیری به تو رساند هیچکس نمی تواند فضل و لطف او را از تو برگرداند. <sup>(۱)</sup>

۶- **هوی و هوس نفسانی** : یکی دیگر از عواملی که در طول تاریخ بر عقیده ی توحیدی تأثیر منفی گذاشته است ، بی صبری و عدم مقاومت آدمی در برابر فشار خواسته ها و تمایلات نفسانی بوده است .

نفس انسان به منظور بهره مندی بیشتر از لذتها و شهوات ، خواستار ارضای بی قید و شرط خواسته های خود و بی بند وباری اخلاقی است ، اما فرمانروایی و امر و نهی خداوند را مانع

---

<sup>۱</sup> - انسان همیشه مسحور امور خارق العاده بوده ، و در برابر امور خارق العاده و تازه دچار خود باختگی شده است ، انسانهای مکار و حيله گر هم با آگاهی از وجود این خصلت در آدمی ، با گشودن نوعی بازار در قالب ، سحر و جادو ، فالگیری و رمالی ، کف خوانی و هیپنوتیزم و .... به غیب گویی کذایی و عوام فریبانه پرداخته و مردمان را به بندگی و اطاعت از خود فرا خوانده اند . غافل از اینکه خداوند متعال ، از عجز و ناتوانی آنها پرده بر داشته و فرموده است : « و ما هم بضارین بأحدٍ الاً بأذن الله » اینان نمی توانند به کسی زیان و ضرر برسانند مگر به اذن خدا ( به کسانی زیان و ضرر برسد که عقل و شرع را رها ساخته و کورکورانه دستورات غلط و زیانبخش آنان را بکار گیرند) .

بزرگی در مقابل ارضای خواسته های بی قید و بند نفسانی و شهوانی خود می بیند ، لذا اینان هم خالقیت و مدبر بودن خداوند را پذیرفتند و لیکن اعتقادات دینی و ادای شعایر عبادی را جزو امورات و علایق شخصی قرار داده و احکام دینی را غیر قابل اجرا و نامتناسب با زمان پنداشته و هوای خود را اله ( قانونگذار ) با بینش عقلانی و علمی و متناسب با عصر زمانه پنداشته و تبعیت از آن " اله " را نشانه ی ترقی و تمدن قلمداد کردند ! در حالیکه قرآن پیروان هواها و شهوات نفسانی را در زمره ی مشرکان قرار داده و درباره ی آنان فرموده است : أَرَأَيْتَ

مَنْ أَخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا ﴿٤٣﴾ <sup>(۱)</sup> هیچ

دیده ای کسی را که ، هوی و هوس خود را « اله » و معبود خود کرده است . ( و هواپرستی را جایگزین خداپرستی می نماید )

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿٤٤﴾ <sup>(۲)</sup> بلکه هدف انسان ( از انکار قانونگذاری خداوند و تبعیت از آن ) این است که

۱- فرقان/۴۳      ۲- قیامه/۵

می خواهد در مدت زمانی که در پیش دارد ( تا زنده است )  
گناه کند ...

بی شک اولین و اساسی ترین نیازهای انسان، نیازهای  
فیزیولوژیکی یا نیازهای جسمانی همچون نیاز به خوراک ، لباس  
، مسکن و ارضای غریزه ی جنسی می باشد .

اگر انسان برابر منہج و برنامه ی خداوند زندگی کند ، در  
ارتباط با ارضای نیازهای فیزیولوژیکی با مشکلی مواجه نخواهد  
شد ، اما اگر بخواید خارج از دایره ی اسلام به ارضای این نیازها  
اقدام نماید ، گرفتار بندگی نفس و دیگران ( و صاحبان قدرت  
ارضای شهوات) می شود .

- در مصرف غذا ، شکم باره و بنده ی شکم ، و در استعمال  
لباس اهل مد گرایی و بنده ی مؤسسات تولیدی خواهد شد ، و  
آن مؤسسات با برگزاری نمایشگاه و تبلیغات بازرگانی، او را به  
نیایش خود فرا خواهند خواند.

- در تهیه ی مسکن بنده ی بانکها و رباخواران خواهد شد .  
- در ارضای غریزه ی جنسی ، پا را از قلمرو اعتدال بیرون نهاده  
و گرفتار جنون جنسی گشته و بنده ی ستاره های سینما و پری



رویان و ... خواهد شد . و در مقابل آنان همه چیز خود را خواهد باخت .

- سایر هوسهای ناکام هم ، او را بنده ی فاقد اراده ی مواد مخدر خواهند ساخت . که همه چیز خود ، حتی همسر و فرزندانش را هم برای دستیابی بدان در معرض فروش قرار خواهد داد .

راستی : قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللّٰهُ <sup>(۱)</sup> آیا شما ( قانونگذاری ) بهتر می دانید یا خداوند متعال !؟

همانا : وَاللّٰهُ يَعْزَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۱۶﴾ <sup>(۲)</sup> خداوند ( مصالح شما را ) بهتر می داند و شما نمی دانید .

زیرا : وَمَا أُوتِيتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا <sup>(۳)</sup> ﴿۸۵﴾ چرا که جز دانش اندکی به شما داده نشده است .

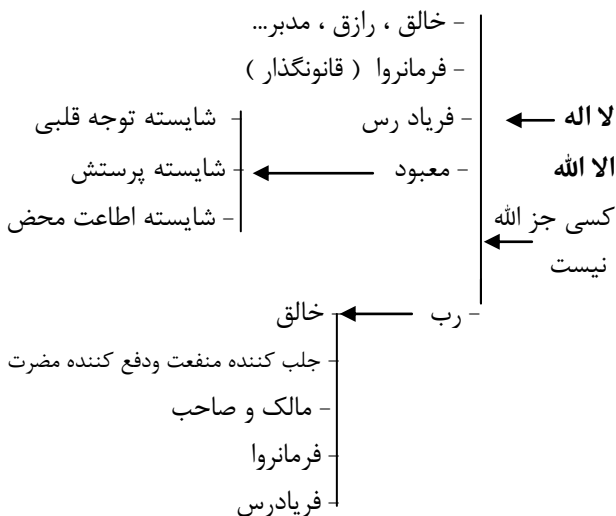
---

۳- اسری/۸۵

۲- بقره/۲۱۶

۱- بقره. ۱۴۰

## خلاصه مفهوم لا اله الا الله



پیرو « لا اله الا الله » کسی است که با علم و بصیرت به وجود خداوند متعال به اوبه عنوان آفریننده و مدبر عالم هستی ایمان دارد و فقط او را به عنوان رازق و روزی رسان همه ی مخلوقات می شناسد و سایر اشیاء و اشخاص را فقط اسباب

کسب رزق و روزی می داند . همچنین خداوند متعال را به عنوان یگانه معبود شایسته ای می شناسد که او را عبادت ( و برای کسب رضایش نماز ، زکات و روزه و حج و جهاد و نذر و قربانی و صدقه و دعا و نیایش بجا آورده و با او راز و نیاز و ... ) نماید و در تمام جوانب زندگی ( اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی ) فقط قوانین و احکام او را منهج و برنامه ی زندگی خود قرار دهد و فقط از او اطاعت و فرمانبرداری نماید. و در دعا و راز و نیازهایش جز به الله به کس دیگری توجه قلبی ننماید و کس دیگری را جز الله ، فریادرس و مالکِ سود و زیان و جلب کننده منفعت و دفع کننده ی مضرت نشناسد . و به پزشک و دارو هم به عنوان اسبابی بنگرد که در صورتی که اراده ی خداوند متعال بر مؤثر واقع شدن آنها تعلق بگیرد ، مفید و مؤثر واقع خواهند شد ، و خود شفا دهنده ی مطلق نیستند و الا کسی در بیمارستانها جان نمی سپارد.

بنابراین اگر کسی اینگونه به کلمه ی « لا اله الا الله » ایمان و اعتقاد قلبی داشته باشد و به مقتضای آن عمل نماید و برخلاف آن رفتاری از خود بروز ندهد ، مؤمن به ” لا اله الا الله “

و موحد شناخته می شود و امید است مشمول این فرموده ی حضرت (ص) قرار بگیرد که فرماید: «مَنْ لَقِيَ اللَّهَ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً دَخَلَ الْجَنَّةَ»<sup>(۱)</sup> هر کس خداوند متعال را در حالی ملاقات کند که نسبت به او شرک نورزیده باشد ، وارد بهشت می شود . اما آنانکه به بخشی از معنی و مفهوم ” لا اله الا الله “ ایمان می آورند و به بخش دیگر ایمان نمی آورند . در زمره ی مؤمنین محسوب نمی شوند ، و در زمره ی کسانی قرار می گیرند که خداوند متعال درباره ی آنها می فرماید: **أَفْتُوْمُنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ۗ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ** ﴿۸۵﴾<sup>(۲)</sup> آیا به بخشی از (دستورات) کتاب ( آسمانی ) ایمان می آورید و به بخش دیگر کفر می ورزید؟! برای کسی که از شما چنین کند ،

<sup>۱</sup>- رواه مسلم

۲- بقره/۸۵

جز خواری و رسوایی در این جهان نیست<sup>(۱)</sup>، و در روز رستاخیز به سخت ترین شکنجه ها برگشت داده می شوند، و خداوند از آنچه که می کنید بی خبر نیست.

## خروج از دایره ی ” لا اله الا الله “

اگر آدمی چنان معتقد باشد که جهان مخلوقی است بدون خالق، و یا مخلوقی است که تصادفی بوجود آمده است و یا موجودی است ازلی که نیاز به خالق و خلق شدن ندارد و یا اینکه طبیعت همه چیز را آفریده و همین طبیعت کورکورانه و بدون هدف در حرکت است و جهان خود بخود اداره می شود. چنین فردی بی شک در خارج از دایره ی ” لا اله الا الله “ قرار گرفته و جزو مشرکان می باشد.

اگر به انسان به عنوان شکل تکامل یافته ی میمون بنگریم،

---

<sup>۱</sup> - در واقع ریشه ی اصلی مشکل ما و عقیب ماندگی و ذلت ما مسلمانان به این واقعیت بر می گردد که به بخشی از ” لا اله الا الله “ ایملن داریم و به بخش دیگر آن نه ایمان داریم و مقتضیاتش را رعایت می کنیم، به همین سبب در جهان خوار و ذلیل شده ایم

تفکر و عقیده ای برخلاف مقتضیات ” لا اله الا الله “ برگزیده ایم زیرا از دیدگاه اسلام انسان ؛ مشتی خاک ، آمیخته با روح خدایی است و او از همان ابتدا در قالب انسان بوجود آمد و هیچگاه حیوانی نبوده تا بعدها به انسان تبدیل شده باشد . و او خلیفه ی خدا است که با اعطای دو ابزار علم و اراده ، تزکیه ی نفس و آبادانی زمین و اجرای قسط و عدل در آن را به وی سپرده است مؤمن به ” لا اله الا الله “ کسی است که جهان بینی اش الهی، و آن را از قرآن و سنت اخذ کرده باشد نه از هیچ منبع دیگری . عبادتش را از دو منبع اصلی قرآن و سنت صحیح نبوی اخذ نماید و با اخلاص کامل و بدون مد نظر داشتن کسی و چیزی برای خداوند ادا نماید و منهج و برنامه ی زندگی را در تمامی جوانب زندگی ( سیاسی ، اجتماعی ، اخلاقی ، اقتصادی ، سیاسی و ... ) فقط از این دو منبع بگیرد و بر مبنای آنها عمل نماید . در غیر این صورت نقض در هریک از این امور ، نقض در اعتقاد به ” لا اله الا الله “ محسوب شده و شخص را از محدوده این دایره خارج می سازد .

## مبطلات لا اله الا الله

نمی دانم چرا بحث های زیادی درباره مبطلات وضو می شود ، اما درباره ی مبطلات ” لا اله الا الله “ اصلاً بحث نمی شود. اگر می خواهیم از جمله داخل شدگان در دایره ی ” لا اله الا الله “ باشیم ، لازم است مبطلات ” لا اله الا الله “ را بشناسیم تا خویشان را از افتادن در آن گرداب برحذر داشته و از سقوط دیگران هم در آن جلوگیری نمائیم .

### مبطلات لا اله الا الله عبارتند از :

- ۱- نوکر و اجیر دشمنان (همچون یهودیها و مسیحیان) و اجانب شدن و شیوه ی منافقانه پیشه ی خود کردن .
- ۲- دنیاپرستی همچون علماء سوءی که می خواهند زندگی کنند و از متاع دنیا بهره مند شوند و می ترسند دنیا را از دست بدهند ، و هرگز حاضر نیستند کلامی درباره ی حقایق و مقتضیات ” لا اله الا الله “ بر زبان آورند که موجب خشم سرورانشان شود . **إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ**

الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۗ أُولَٰئِكَ مَا  
يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾<sup>(۱)</sup> کسانی

که آنچه را خدا از کتاب ( آسمانی ) نازل کرده است پنهان می  
دارند و آن را به بهای کم ( و نا چیز دنیا ) می فروشند ، آنان جز  
آتش چیزی نمی خورند و روز رستاخیز خدا با ایشان سخن نمی  
گوید و آنان را ( از کثافت گناه با عفو و گذشت خویش ) پاکیزه  
نمی دارد ، و ایشان را عذاب دردناکی است .

۳- کسانی که نمی خواهند با آگاه شدن مردم بر حقایق اوضاع و  
احوالشان، از آنها برنجند ، در نتیجه آنها را در همان وضع و حال  
منحرفشان تربیت می کنند ، و گمان می برند که این روش  
بهترین روش دعوت به سوی خدا است و امید دارند که آنها به  
دعوتشان جواب مثبت بدهند ، چون گمان می کنند که این  
روش همان روش دعوت به حکمت و موعظه ی حسنه است . در

۱- بقره/۱۷۴



حالی که پیامبر به مردم قریش چیزهایی می فرمود که آنها می گفتند ؛ محمد بر خدایان ما عیب می گیرد و افکار ما را دیوانه می نامد. فَأَصْدَعَ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضُ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿١﴾<sup>(۱)</sup>

پس آشکارا بیان کن آنچه را که بدان فرمان داده می شوی و به مشرکان اعتنا مکن .

۴- صدور حکمی برخلاف حکم خدا از روی آگاهی و عمدأ .  
تشریح و تدوین قوانین برخلاف آنچه که خداوند نازل کرده است و رضایت به قوانین غیر خدایی ، نقض کننده ی ” لا اله الا الله “ می باشد .

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ  
ثُمَّ لَا تَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا  
تَسْلِيمًا ﴿٢﴾

اما نه ...! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن

۱- - حجر/۹۴ ۲ - نساء/۶۵

بشمار نمی آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم ( قضاوت و حکم تو ) باشند ...

وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ﴿٤٤﴾

(<sup>۱</sup>) و هرکس برابر آن چیزی حکم نکند که خداوند نازل کرده است او و امثال او بی گمان کافرند .

۵- تفکرات کمونیستی ، سوسیالیستی ، لائیک ، ناسیونالیستی و دمکراسی هم ناقض ” لا اله الا الله ” می باشند . تفکر کمونیستی و سوسیالیستی جای بحث ندارند آنها بوجود خداوند ایمان ندارند و

به طریق اولی ” لا اله الا الله ” و مقتضیات آن را نمی پذیرند . لائیک ادعا می کند با دین مخالف نیست ، اما دین از سیاست و قوانین سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی جدا است و حق دخالت در این امور را ندارد . قُلْ إِنَّ صَلَاتِي

---

۱- مائده / ۴۴

وَنُصِيحِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي ۖ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٢﴾ لَا شَرِيكَ

لَهُ ۗ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿٦٣﴾ (۱) بگو : نماز و

عبادت و زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار  
جهانیان است خدا را هیچ شریکی نیست و به همین دستور داده  
شده ام و من اولین مسلمان ( مخلص ترین فرد برای خدا )  
هستم .

دین اسلام دربرگیرنده ی تمامی جوانب سیاسی ، اجتماعی ،  
اخلاقی ، اقتصادی و... است و حذف قوانین اسلام از صحنه ی  
زندگی ، یعنی تیشه به ریشه ی اسلام زدن .

ناسیونالیست ؛ کسانی هستند که فقط در جهت منافع نژاد  
خود تلاش می نمایند و از دیدگاه آنها (مثلاً ناسیونالیسم عربی )  
یک عرب مسیحی بر یک مسلمان پاکستانی یا اندونزیایی ترجیح  
دارد .

نژادهای مختلف را خداوند متعال ، خود بنا به اقتضای حکمتش

---

۱ - انعام/۱۶۲-۱۶۳

بوجود آورده است و کسی نمی تواند نژاد و قومی را بر نژاد و قوم دیگر ترجیح دهد ، زیرا همگان بندگان خداوند و از یک پدر و مادر ( آدم و حوا ) هستند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند و ایجاد تفرقه و جدایی در میان مسلمانان و برافروختن آتش ناسیونالیستی و ریختن خون مسلمانان به دلیل اینکه از نژاد دیگری می باشند ، ناقض ” لا اله الا الله “ می باشد .

دمکراسی : در اسلام قانونگذاری مختص به خداوند متعال است ، اما در نظام دمکراسی حق تحریم و تحلیل و مصدر تمام مسائل و قدرتها نمایندگان ملت است ، هرچند در این میان ملت نقش چندانی ندارد و قدرت اصلی در دستهای پنهان چند سرمایه دار قرار دارد که به نیابت مردم هر فسادی که بخواهند مباح می کنند .

دمکراسی برمبنای الحادپایه ریزی شده است و کسی نمی تواند شراب ، ربا ، زنا و بی بندوباری را ممنوع کند چون اصطلاحاً دخالت در آزادی های فردی محسوب شده و برخلاف دمکراسی قلمداد می شود .

دمکراسی راه را برای هر فاسد و مفسدی گشوده است ، اما برای اسلام هیچ راه و مسیری را نگشوده اند ، مسئله ی الجزایر فراموش ناشدنی است و هر گروهی که در انتخابات اکثریت آراء را به دست آورد حق حضور در پارلمان را دارد جز مسلمانان .

در حالی که خداوند متعال می فرماید : **لَا تَجِدُ قَوْمًا**


**يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ**

**وَرَسُولَهُ ...** <sup>(۱)</sup> مردمانی را نخواهی یافت که به خدا و روز

قیامت ایمان داشته باشند ، ولی کسانی را به دوستی بگیرند که با خدا و پیغمبرش دشمنی ورزیده باشند ...

**وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ**

**يَكُونَ لَهُمُ الْحَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ<sup>٤</sup> وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ**

**ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا**  <sup>(۲)</sup> هیچ مرد و زن مؤمنی ، در کاری

---

۱- مجادله/۲۲      ۲- احزاب/۳۶

که خداو پیامبرش داوری کرده باشند ( و آن را مقرر نموده باشند ) اختیاری از خود در آن ندارند ( و اراده ی ایشان باید تابع اراده ی خدا و رسول باشد ) هرکس هم از دستور خدا و رسولش سرپیچی کند، گرفتار گمراهی کاملاً آشکاری می گردد.

۶- پذیرفتن ولایت کفار : ولایت به معنی دوستی قلبی ، و یاری دادن کفار می باشد . گرچه مسلمانان در حالت ضعف و ناتوانی مقابله با کفار ، به منظور جلوگیری از تجاوزات آنها می توانند نسبت به آنها اظهار دشمنی نمایند ، اما پذیرش ولایت آنها جایز نیست و ناقض ” لا اله الا الله ” می باشد . لَا يَتَّخِذِ

الْمُؤْمِنُونَ الْكٰفِرِيْنَ اَوْلِيَاءَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ <sup>ط</sup> وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللّٰهِ فِيْ شَيْءٍ اِلَّا اَنْ تَتَّقُوْا مِنْهُمْ تُقٰنَةً <sup>هـ</sup>

وَيُحٰذِرْكُمْ اللّٰهُ نَفْسَهُ <sup>هـ</sup> وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيْرُ ﴿٢٨﴾ <sup>(۱)</sup> مؤمنان نباید مؤمنان را رها کنند و کافران را بجای ایشان به دوستی

---

۱- آل عمران / ۲۸

بگیرند و هر که چنین کند وی را در چیزی از ( رحمت ) خدا ( بهره ای ) نیست مگر آنکه خویشتن را از ( اذیت و آزار ) ایشان مصون دارید و خداوند شما را ( از نافرمانی ) خود برحذر می دارد و بازگشت ( همگان ) به سوی او است .

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ<sup>ع</sup>

أَيَّبَتُّغُونَ عَنْهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿٣٤﴾<sup>(۱)</sup> این

منافقان کسانی هستند که کافران را بجای مؤمنان به سرپرستس و دوستی می گیرند ، آیا عزّت را در پیش کافران می جویند ؟ ( چنین چیزی محال است ) چرا که عزّت و شوکت جملگی از آن خدا است ( و هر که از غیر خدا عزّت طلبد ذلیل گردد ) .

۷- اعتقاد به اینکه خداوند متعال امورات زمینی را به برخی از پیشوایان و بندگان صالح واگذار کرده است و یا انجام عباداتی همچون ؛ دعا و نذر و ذبح برای غیر خدا به منظور جلب منفعت

---

۱- نساء/۱۳۹

و دفع مضرت، ناقض ” لا اله الا الله “ می باشد .  
۸- اعتقاد به اینکه خداوند متعال در امورات طبیعی همچون باد ، باران ، طوفان ، زلزله ، آتشفشان و ... اراده ای ندارد و این امور برخلاف دخالت و اراده ی خداوند متعال روی می دهند ، ناقض ” لا اله الا الله “ می باشد .



## هدف ما

هدف ما از بیان معنی و مفهوم ” لا اله الا الله “ و مقتضیات آن ، صدور هیچ حکمی نسبت به هیچ کسی نیست ، بلکه هدف ما آگاه کردن مسلمانان از میزان فاصله و دوری آنها از حقایق اسلام و تصحیح بینش و موضعگیری عملی و درست و بجا است ، و همچنین آگاه کردن آنها از این هشدار و انداز نبوی است که می فرماید : « لَيَذُقَنَّ عُرَى هَذَا الدِّينِ عُرْوَةَ عُرْوَةٍ . فَكَلِمًا نَقَضَتْ عُرْوَةَ تَمَسَّكَ النَّاسُ بِأَلْتِي بَعْدَهَا . فَأَوْلَاهُنَّ نَقْضًا أَحْكَمَ وَ آخِرُهُنَّ نَقْضًا الصَّلَاةُ » .<sup>(۱)</sup> احکام دین اسلام بتدریج در میان مردم کمرنگ می شود ، پس هرگاه حکمی کمرنگ شد و از بین رفت مردم به حکم دیگری چنگ می زنند . اولین حکمی که نقض می شود حکم بر اساس دین خدا است و آخرین آنها نماز است . ( و مسلمانان مواظب باشند تحت تأثیر جو نادرست و غالب قرار نگیرند و از دایره ی اسلام خارج نشوند ) کسی که ” لا اله الا الله “ را بر زبان می آورد از دیدگاه

---

<sup>۱</sup> - رواه امام احمد

اسلام کشتنش جایز نیست ، اما تازمانی که به مقتضیات ” لا اله الا الله “ عمل نکند مسلمان محسوب نمی شود ، همچنانکه حضرت ابوبکر ترک کنندگان زکات را به دلیل عدم ادای یکی از مقتضیات ” لا اله الا الله “ غیر مؤمن و غیر مسلمان محسوب داشت .

هدف ما آگاه کردن مسلمانان از عوامل تحریف و تهاجم تدریجی است که سبب جدایی امت از مقتضیات ” لا اله الا الله “ شد ، بطوری که جز چیزهای پراکنده ای از مقتضیات ” لا اله الا الله “ که آن هم نه عقیده بودند و نه عبادات صحیح و نه اعمال درست بودند، بلکه بیشتر به آداب و رسوم و عرف ها و بقایای سنت های بی روح شبیه بودند ، چیز دیگری باقی نگذاشتند . حتی واجبات دینی همچون نماز و ... به مجموعه اعمال عرفی تبدیل شدند که فاقد آن روح متعالی و محرکی بودند که روزی دین حقیقی از آن بهره مند بود .

هدف ما تشویق مسلمانان به علم و آگاهی از معنی و مفهوم ” لا اله الا الله “ و مقتضیات آن ، و ایمان بدان و عمل به مقتضای آن و تعلیم دیگران و تلاش در اجرای عملی آن در

جامعه و صبر بر آزار و اذیت دشمنان و در انتظار احدی  
الحسنین ( پیروزی دین خدا بر دشمنان یا شهادت در راه او )  
می باشد . **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ**

**وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَّهُمُ الْجَنَّةُ ...** <sup>(۱)</sup> بی گمان خداوند جان و مال  
مؤمنان را به ( بهای ) بهشت خریداری کرده است .

**مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ**  
**قَضَىٰ خُبْرَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا** <sup>(۲)</sup> در میان  
مؤمنان مردانی هستند که با خدا راست بوده اند در پیمانی که با  
او بسته اند . برخی پیمان خود را بسر برده اند ( و شربت  
شهادت سر کشیده اند ) و برخی نیز در انتظارند . آنان هیچگونه  
تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده اند . (( پروردگارا ! ما  
را در زمره ی گروه دوم قرار بده ))

هدف ما آگاه کردن آنها از ترس بزرگ دشمنانشان از  
اسلام ( و آگاه شدن مسلمانان از معنی و مفهوم " لا اله الا الله "

<sup>۱</sup> - توبه / ۱۱۱

<sup>۲</sup> - احزاب / ۲۳

و مقتضیات آن و ) به قول مستشرق ” گپ “ : ” توانایی دین در برانگیختن افراد به طور ناگهانی به گونه ای که کسی گمان آن را نمی کند ، پس اگر دین خدا اجرا شود و شعائر عبادی در میان مسلمانان باقی بماند ، همچون میکروبی خواهند بود که در بدن بیمار باقی مانده و بدون هشدار قبلی ممکن است شروع به فعالیت کند ، می باشد.

ریشه موفقیت دشمن در ضربه وارد کردن به امت اسلامی در فاصله گرفتن مسلمانان از حقیقت اسلام و مقتضیات ” لا اله الا الله “ بود . بر ما است که خود را از این انحطاطی که در اثر جدایی و تنزل از مقتضیات ” لا اله الا الله “ بر ما وارد شده است ، نجات دهیم . و باید دانست که این امت آن امت اولیه نیست ، که این چنین به انحطاط کشیده شده است، و این عقب ماندگان و شکست خوردگان و ضعیفان پیروان دین خدا نیستند ، زیرا تا زمانی که مقتضیات ” لا اله الا الله “ را رعایت می کردند، عزت و سربلندی ، کرامت ، دانش ، اخلاق ، پیشرفتو قدرت بهره آنان بود بیان مقتضیات ” لا اله الا الله “ برای ایجاد امت ربانی ضروری می باشد و بدون التزام به همگی آن مقتضیات امت

ربانی بوجود نخواهد آمد و قصور و کوتاهی در اجرای آنها خروج از دایره ی ” لا اله الا الله “ محسوب شده و مستوجب بازخواست و عذاب خواهد بود :

أَفْتُوْمُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ۗ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

﴿۱﴾ آیا به بخشی از ( دستورات ) کتاب ( آسمانی ) ایمان می آورید و به بخش دیگر کفر می ورزید؟! برای کسی که از شما چنین کند ، جز خواری و رسوایی در این جهان نیست ، و در روز رستاخیز به سخت ترین شکنجه ها برگشت داده می شوند ، و خداوند از آنچه که می کنید بی خبر نیست .

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۗ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿۲﴾ و قرآن مایه بیداری تو و قوم تو است و از شما ( درباره ی این برنامه ی الهی و مقتضیات لا اله الا الله ) پرسیده خواهد .

## خاتمه

مهمترین رکن از ارکان دین اسلام ، ایمان به کلمه ی ” لا اله الا الله “ ( و عمل به مقتضای آن ) است . و الله یگانه آفریننده و مالک جهان و انسان است و هیچ کس جز الله در ملک او حق فرمانروایی و امر و نهی بر مخلوقات و حق گردن فرازی بر دیگران را ندارد ، بلکه همگان بندگان خداوند و مجریان قوانین و دستورات او هستند ، همچنانکه خورشید و زمین و طبیعت و کلیه ی اعضای بدن انسان و ... خداوند را فرمان می برند ، بر انسان است که در بعد اختیاری زندگی خود، فرمان خداوند را گردن نهد . در غیر این صورت متمرّد و نافرمان و مجرم شناخته شده و مستوجب عذاب ابدی است ، چون در که حالی در ملک پروردگار زندگی می کند و برخوان او نشسته است، با او خصومت و دشمنی می نماید ، و نه تنها خود از برنامه ی اش پیروی نمی کند ، بلکه دیگران را هم از راه خدا باز می دارد ...

خداوند متعال انسان را با دو ویژگی خاص آفریده است ؛ یکی پناه بردن به نیروهای خارق العاده ی غیبی در هنگام مواجه شدن با خطر و نا کار آمدی و نا امیدی از اسباب مادی . دوم ؛ بندگی نفس و دیگران و تسلیم و تعظیم در برابر صاحبان زر و زور .

انسان در این زمینه بجای پناه بردن به قدرت خارق العاده ی پروردگار دست به دامان خرافات شده و بجای تسلیم و فرمانبرداری از پروردگار صاحب قدرت و روزی رسان ، مزدور صاحبان موقت و ظاهری زر و زور می شود . و فراموش نموده که حکمت و فلسفه ی تکرار « ایتاک نعبد و ایتاک نستعین . پروردگارا ! فقط تورا عبادت (اطاعت ، پرستش و بندگی) می نمایم و فقط از تو کمک و یاری و استعانت می جویم » در طول هر شبانه روز ۱۷ بار ، فقط به منظور پیروی از قانون خدا و بندگی نمودن پروردگار و استعانت از او ، و برحذر داشتنش از بندگی زر و زور و تزویر و فریب مکاران سیاسی و مذهبی می باشد .

اگر آدمی خود از قید هوای نفس سرکش و طغیانگر ، و اطاعت کورکورانه ی رهبران سیاسی و مذهبی ، و مکر و حيله ی مکاران برحذر دارد ، و بندِ بندگی بنده را پاره نماید ، و به عبودیت و بندگی پروردگار بپردازد . از ذلت و خواری دنیا و عذاب دردناک آخرت نجات خواهد یافت و به سعادت و سروری دنیا و رستگاری آخرت دست خواهد یافت . و صراط مستقیم و سعادتى جز این وجود ندارد... در واقع منشأ ذلت و خواری انسانها در جوامع مختلف به این واقعیت بر می گردد که آنها حاضر نبوده اند بنده ی خداوند شوند ، خداوند هم آنان را خوار و ذلیل و بنده ی دیگران ساخته است . و جز با بندگی پروردگار از بندِ بندگی، و ذلت و خواری رهایی نخواهند یافت.

به هر اندازه که امت ابر مدلولات ” لا اله الا الله “ آگاه باشد ، به همان اندازه عامل به مقتضیات آن خواهد بود ، در نتیجه به همان اندازه در زمین قدرتمند خواهد شد ، چرا که مقتضیات ” لا اله الا الله “ تمام وسایل و عواملی که خداوند به وسیله ی آن امتی را که بخواهد در زمین قدرت ببخشد را در بر دارد . تا چه



رسد به تمکینی که به دست امت اسلامی ، آنگاه که به مقتضیات ” لا اله الا الله “ عامل باشند ، خواهد بخشید .

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن

قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم

مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۚ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١٠٤﴾

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند ، وعده می دهد که آنان را قطعاً جایگزین ( پیشینیان ، و وارث حکومت ایشان ) در زمین خواهد کرد همانگونه که پیشینیان را جایگزین ( ستمگران ) قبل از خود کرده است. همچنین آیین ( اسلام ) را که برای آنان می پسندد

، حتماً ( در زمین ) پابرجا و برقرار خواهد ساخت ، و نیز خوف و هراس آنان را به آرامش و امنیت مبدل می سازد ( آن وارثان زمین کسانی هستند که تنها ) مرا می پرستند و چیزی را شریک و انبازم قرار نمی دهند ... بعد از این ( وعده ی راستین ) کسانی که کافر شوند آنان کاملاً بیرون شوندگان ( از دایره ی اسلام ) بشمار می روند .

دلایل ضعف و عقب ماندگی و از دست دادن قدرت و ارزش واقعی در میزان مردم هر چه باشد ، در نهایت به یک عامل بر می گردد و آن عبارت است از ؛ قصور و عقب نشینی از مقتضیات ” لا اله الاّ الله “ . زیرا هیچ دلیلی خارج از چهار چوب این مقتضیات نیست . بنابراین درد ما همین و داروی آن بازگشت به ” لا اله الاّ الله “ است . اما باید دانست که درد و مشکل، بزرگ و فراگیر است و تمامی مقتضیات آن را در بر گرفته است و رفع آن هزینه ی بزرگی می طلبد ....

« إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ أَيَّامُ الصَّبْرِ ، لِلْمُتَمَسِكِ فِيهِنَّ يَوْمئِذٍ بِمَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ . قَالُوا : يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَوْ مِنْهُمْ ؟

قَالَ : بَلْ مِّنْكُمْ «<sup>(۱)</sup> بعد از شما روزگار سختی خواهد بود ، هرکس در آن روزها بر دین خدا متمسک باشد ، اجر و پاداش پنجاه نفر از شما را دارد . گفتند : ای پیامبر خدا (ص) ، اجر پنجاه نفر از ما یا از خودشان ؟ فرمود : اجر پنجاه نفر از شما ( اصحاب ) .

---

<sup>۱</sup> - رواه ابوداد و ترمذی

## منابع و مأخذ

- |                       |  |
|-----------------------|--|
| دکتر مصطفی خرم        | ۱- تفسیر نور<br>دل                     |
| صحاح سته              | ۲- احادیث نبوی                         |
| دکتر یوسف قرضاوی      | ۳- حقیقت توحید                         |
| استاد سبحانی          | ۴- سلسله درسهای عقیده                  |
| سید قطب               | ۵- چراغی بر فراز راه                   |
| امام ابوالاعلی مودودی | ۶- مصطلحات اربعه                       |
| محمد قطب ترجمه        | ۷- لا اله الا الله روح زندگی<br>ولدیگی |